

نظر داشته باشد نه این است که با اطلاع بدهند تصدیق کرد و تکرد نکرد خیر این نیست و اینجا دیگر لازم نیست کلمه تصویب زیاد شود و همین قدر که نوشته شده است باستحضار او کافی است و البته وظایف او را هم یک قانون دیگر معین کرده است و او بوظایف خودش عمل خواهد کرد

رئیس - رأی میگیریم باصلاح آقای حاج آقا آقابانکه قابل توجه میدانند این اصلاح را قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت ۴۱ رأی تصویب و قابل توجه شد و حالا باید رأی در ماده باین اصلاح بگیریم سه فقره دیگر اصلاح است از طرف آقای منتصر السلطان و محمد هاشم میرزا و آقا میرزا یونس راجع بحق تقدم مستأجرین قرائت میشود و رأی میگیریم (سه فقره اصلاح مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده اول از فرار ذیل اصلاح شود - وزارت مالیه مجاز است که املاک خالصه دولتی اطراف طهران و خوار را بطور مزایده با استحضار خزانه دار کل با جاره بدهد و حق تقدم در هر موقع با رعایای خالصه است

منتصر السلطان - اصلاح دوم بنده پیشنهاد میکنم منضم باخر ماده اول شود با تساوی شروط تقدم با رعایای ساکنین آن محل است

محمد هاشم میرزا - بنده پیشنهاد میکنم که ماده اول بطریق ذیل نوشته شود وزارت مالیه مجاز است املاک خالصه دولتی اطراف طهران و خوار را با استحضار خزانه دار کل با جاره بدهد ولی در صورت تساوی شرایط ترجیح بهیشت جامعه سکنه این املاک داده خواهد شد - یوسف میرزا یونس

رئیس - این سه فقره اصلاح راجع به یک مطلب است کمیسیون در این باب چه مگوید

میرزا الملک - این مسئله راجع به مستأجرین و راجع بر رعایا است و کمیسیون هم مخالفی ندارد در صورت تساوی شروط اگر بتوانند دولت را مطمئن بکنند که مال الاجاره را برسانند چه عیب دارد البته مقدم هستند

رئیس - آن اصلاح آقا شیخ غلامحسین هم چون منافاتی ندارد باید خوانده شود (اصلاح مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده اول این لایحه اینقسم نوشته شود

وزارت مالیه مجاز است املاک خالصه دولتی اطراف طهران را با اجازه خزانه دار کل اداره نموده و یا بتصویب او بطور مزایده اجاره بدهد

رئیس - کمیسیون در این پیشنهاد چه می گوید

مخبر - کمیسیون ابتدا قبول ندارد بجهت این که میشود این را نوشت بجهت این که وزارت مالیه اول باید بداند که میتواند اداره کند آن وقت دیگر اجازه اجاره دادن لازم نبود که بخواهد و دیگر نمیتواند اداره کند دیگر این جا هیچ صورتی ندارد

معاون وزارت مالیه - عرض کردم این تقاضای نخواستار داشت البته در صورتی که ممکن

شود اداره کند اداره میکند و وزارت مالیه در این مخالفی ندارد

رئیس - مخالفی ندارید قبول میکنید

معاون مالیه - بله قبول میکنم

رئیس - خوب حالا عجله برای این که اصلاحات را ماده بندی بکنند تنفیص داده میشود بعد از تنفیص رأی گرفته میشود (در این موقع تنفیص شد مجدداً بعد از تنفیص نیم ساعت قبل از ظهر تشکیل گردید)

رئیس - ماده اول نظر باصلاحاتی که پیشنهاد شده بود تغییر داده شده و اصلاح شده است قرائت می شود و رأی میگیریم (بعبارت ذیل قرائت شد)

وزارت مالیه در صورتی که موفق بدار کردن خالصجات دولتی اطراف طهران و خوار نشود مجاز است املاک مزبور را بطور مزایده با تصویب خزانه دار کل اجاره دهد در صورت تساوی شرایط و حصول اطمینان از پرداخت مال الاجاره حق تقدم با رعایای محل خواهد بود

رئیس - رأی میگیریم باین ماده اول بطوری که قرائت شد آقابانکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت ۵۸ رأی تصویب شده ماده ۲ قرائت میشود

(ماده مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۲ - مستأجرین باید تبه دولت ایران باشند و مخالفی نیست؟

ادیب التجار - بنده پیشنهاد کرده ام در این ماده (بعبارت ذیل قرائت شد)

این بنده ماده دوم را باین عبارت پیشنهاد میکنم ماده ۲ - مستأجرین باید تبه دولت ایران باشند و در تحت تأمین و حمایت خارجه هم نباشند

رئیس - کمیسیون این پیشنهاد را قبول دارند یا خیر؟

میرزا الملک - به قبول دارد

محمد هاشم میرزا - بنده عقیده ام این است که چنانچه سابق هم گفته شد باید بطور وثیقه و انتقال بانایع خارجه هم داده نشود اگر قبول دارند که خوب والا پیشنهاد میکنم

رئیس - در این باب يك ماده الحاقیه از طرف آقای رنجانی پیشنهاد شده است بعد از قرائت خواهیم دید که جایش اینجاست یا باید بطور ماده الحاقیه نوشته شود

(اصلاح رنجانی بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم يك ماده بقانون اجاره خالصجات باین عبارت الحاق شود هرگاه در ظرف مدت اجاره حصه یکی از شرکاء یکی از تبه خارجه انتقال باید دولت حق فسخ آنرا نسبت بآن حصه داشته باشد

میرزا الملک - بنده تصور میکنم جای این ماده همین جاست

رئیس - ماده (۲) با اصلاح مجدداً قرائت میشود

(بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۲ - مستأجرین باید تبه دولت ایران باشند

و در تحت تأمین و حمایت خارجه هم نباشند و هرگاه در ظرف مدت اجاره حصه یکی از شرکاء به یکی از تبه خارجه انتقال باید دولت حق فسخ آنرا نسبت بآن حصه خواهد داشت

آقا میرزا اسدالله خان - بنده مخالفم در اینکه غیر از این سه ماده که پیشنهاد شده است او را امروز در مجلس بگذرانیم کمان میکنم کافی باشد که همان نوشته شود تبه خارجه نباشد شرایط دیگرش را وزارت مالیه خودش معین خواهد کرد مثلاً اینکه میگویند حصه خودشان را انتقال بخارجه بدهند و شروط های دیگر که در اینجا لازم نیست مادراین مواد بگذرانیم فقط تبه خارجه نباشدش کافی است

مخبر - این نظر صحیح است ولی چون این اصلاحات پیشنهاد شده در واقع وارد است باین جهت کمیسیون قبول کرده است کمیسیون پیشنهاد کرده است که تبه خارجه نباشد این اصل است آنوقت يك شقی که راجع بهین است آقای ادیب التجار پیشنهاد نمود که در تحت تأمین و حمایت خارجه هم نباشند این صحیح است با وجود اینکه اینجا معین شده است خارجه نباشد شقوق آنرا هم اینجا معین کرده اند که بوثیقه نزد خارجه گذاشته شود کمیسیون ابتدا نظرش بر این بود که همینقدر کافی است و باقی شقوقش را هم خود مالیه معین خواهد کرد از این جهت باین اکتفا نمود بعد چون این اصلاحات پیشنهاد شد و دید که وارد است از این جهت قبول کرد

دکتر حاج رضاخان - بنده متوجه میکنم نظر آقایان را در آن طرح قانونی که پیشنهاد شده بود از برای اجاره و اجاره همین ماده در او بود و او محکمتر از این بود ولی بعد ممکن است که تبه خارجه بشود یا در بودن و ارتش تبه خارجه باشد و مستأجر شود و این دو قید شود در اینجا بهتر است و اینها در آن قانون بود و بنده او را خیلی کاملاً از این میدانم

میرزا الملک - بنده تصور میکنم که این در فقره در اینجا داخل شده باشد اینکه بنویسیم که اگر يك حصه راجع تبه خارجه شود یعنی چه بفروشد چه بطور ارث بوزیر او برسد که تبه خارجه باشد خود او در همین ماده هست که نباید تبعیت خارجه را قبول نماید یعنی مستأجر بودن خالصجات دولتی با تبعیت خارجی نمیشود ام از اینکه در ابتدا باشد یاد آنها

رئیس - ماده مجدداً قرائت میشود و رأی گرفته میشود (مجدداً قرائت شد)

رئیس - رأی میگیریم باین ماده بطوریکه قرائت شد آقابانکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد ماده ۳ قرائت میشود (ماده مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت اجاره از پنجسال نباید تجاوز بکند

عز الملک - بنده چون عقیده ام این است که دولت هر وقت مقتضی شد املاک خالصه را بفروشد از این جهت پیشنهاد میکنم که مدت اجاره سه سال

باشد اگر بعد از یکسال یادو سال دیگر دولت این عقیده را پیدا کرد آنوقت یکسال یا دو سال بیشتر مانع از برای فروش نداشته باشد

میرزا الملک - بنده تصور میکنم که اجاره مانع از فروش نباشد ثانیاً اینجا معین نکرده است حکماً باید پنج سال باشد آن حد اکثری که ممکن است اجاره داده شود پنجسال خواهد بود حالا با آن نظر خردار کل اگر صلاح دانستند سه ساله یا دوساله اجاره داده شود این حد اکثر است ممکن است که کمتر هم اجاره بدهند

رئیس - گویا مذاکرات کافی است (گفتند کافی است)

رئیس - دوقره پیشنهاد شده است از طرف آقایان دکتر علی خان و عز الملک قرائت میشود رأی گرفته میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده (۳) اینطور نوشته شود تعیین مدت اجاره باید بتصویب خزانه دار کل باشد

(دکتر علیخان)

بنده پیشنهاد میکنم (ماده) اینطور نوشته شود مدت اجاره از سه سال نباید تجاوز نکند

(عز الملک)

مخبر - پیشنهاد آقای دکتر علیخان در واقع در اینجا بمن آمده است بجهت اینکه يك حدی را بجای اجاره دادن این املاک قرار داده اند و آنوقت بتصویب خزانه دار کل هم واگذار کردیم پس او در این سه پنجسال هر مدتی را صلاح بداند میتواند تصویب کند اما آن پیشنهاد آقای عز الملک هم عرض کردم که دارای اشکالی نیست

دکتر علیخان - بله اینجا می که فرمودند بنده عقیده ام این است که اصلاً این ماده سوم صحیح نیست بجهت اینکه بتصویب خزانه دار کل که باشد البته مدت و سایر شرایط او را نظر خواهد کرد و در صورتیکه اختیار تصویب با او داده شود بنده تصور میکنم که دیگر مدتی معین کردن لازم نیست بهترش این است که این ماده بکنی حذف شود و همان ماده اول کافی باشد نبود این پیشنهاد خودم را مسترد میدارم اگر این ماده حذف شود و اگر باید بتصویب بکنند دیگرمان از برای او اسباب اشکال فراهم میآوریم گویا صحیح نباشد بجهت اینکه ممکن است که نظر او پنجسال را کم بداند یا نظریات دیگری داشته باشد پس ما چه میدانیم که نظر او در مدت چیست باید کلیه را بنظر او واگذار نمود

عز الملک - بنده که عرض کردم بهترین است مدت اجاره را کم فرار بدهیم که اگر دولت دارای این عقیده نبود که املاک خالصه را بفروشد مانع برای فروش نداشته باشد مقصودم این بود در صورتیکه مدت اجاره زیاد باشد کمتر پیدا خواهد شد و آن مبلغانی که باید بدهد چون مدت اجاره زیاد است نمیدهد

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای عز الملک که مدت اجاره سه سال قرار داده اند آقابانکه قابل توجه میدانند این اصلاح را قیام نمایند (قابل توجه نشد)

رئیس - قابل توجه نشد رأی میگیریم باصلاح دکتر علیخان که مدت اجاره قبول بتصویب خزانه دار

کل نموده آقابانکه تصویب میفرمایند قیام نمایند (کسی قیام ننمود جز معدودی)

رئیس - قابل توجه نشد رأی میگیریم باصلاح ماده (۴) بشرطی که کمیسیون را بپورت داده است آقابانکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد - دوقره ماده الحاقیه از طرف آقایان افتخار الواعظین و محمد هاشم میرزا پیشنهاد شمعقرائت میشود و رأی میگیریم (بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که این ماده بعنوان رابعه افزوده شود - ماده ۴ - در اجاره نامحاجت نوشتن شرایطی که از حدود اجاره و استجاره خارج باشد از قبیل تعیین حکومت و غیره ممنوع است - افتخار الواعظین بنده پیشنهاد میکنم بعنوان ماده ۴ اضافه شود: حکومت ابلاط و دهات و محاکمه و فصل خصومات حقوقی و جزائی و مالیات غیر خالصه نباید واگذار به مستأجرین بشود

(محمد هاشم میرزا)

رئیس - گویا آن ماده الحاقیه آقای افتخار الواعظین هم شامل این میشود

محمد هاشم میرزا - اگر چه میتوان یقین کرد که دیگر يك اجاره مثل اجاره سابق داده نمیشود لکن محض پیش بینی که نویسد کمیسانی خالصجات و ایلات حکومت - برای اینکه حکومت و خصومات با مستأجرین نباشد این ماده را پیشنهاد کرده پیشنهاد آقای افتخار هم شاملش هست ولی بنده محض توضیح این را پیشنهاد کردم که آنها یکبار اجاره میکنند بطور وضوح بداند که غیر از اجاره چیز های دیگر ممنوع است و تقاضا میکنم رأی گرفته شود

رئیس - کمیسیون در این پیشنهاد چه میگوید

میرزا الملک - کمیسیون قبول ندارد و جای این ماده این جا نیست بجهت اینکه خیلی از مواد ممکن است که پیدا شود اینجا داخل کنیم آنوقت دیگر لازم نبود که اجازه بدهیم بوزارت مالیه که اجاره بدهد خودمان موافق برای اجاره ترتیب میدادیم

معاون مالیه - علاوه بر این مسئله برخلاف قانون است که حکومت بدهد يك مستأجر چطور میتواند وزارت مالیه برخلاف قوانین مقرر در قانون نماید

افتخار الواعظین - مراد بنده از این پیشنهاد نه این است که حکومت محل را بدهد به مستأجرین ممکن است که مستأجرین بگویند از برای اینکه ما يك قدرتی داشته باشیم که بتوانیم مال الاجاره خودمان را بگیریم تعیین حکومت محل باید بتصویب کمیسانی باشد یا در بین رعایا گفتگوئی شد رفع این گفتگوها با مستأجر باشد یا برای انتظامات محلی مستأجر بگوید که من لازم میدانم دولت يك هم چو امتیاز را برین بدهد تا اگر چنانچه بکنم مستأجرین جزء از رعایا مال الاجاره را نپردازند من حق داشته باشم او را بیاورم پس بکنم و خود مال الاجاره را از او بگیرم این است که بنده پیشنهاد کردم که در آن اجاره نامه شرایطی که نوشته خواهد شد باید از حدود اجاره و استجاره خارج نباشد یعنی فقط معین بکند مدت اجاره و وجه اجاره را تعیین حکومت فصل

خصومات و حبس کردن رعایا اینها جزو اجاره نامه نباشد و جداً ممنوع باشد حالا کمان میکنم که لازم باشد این پیشنهاد بنده

مخبر - بنده باز تکرار میکنم که این از قبیل توضیح و اضافات است و این بعینه مثل این است که يك کمیانی دیگری پیدا بشود یا يك مستأجرینی پیدا شود که آنها از تکالیف آنها باشد مملکتی که دارای ادارات معین و حدودی است هیچک اجاره نمیدهند که مستأجر قضاوت یا حکومت بکند و اگر بکنند برخلاف کرده اند

رئیس - خوب شما پیشنهاد محمد هاشم میرزا را قبول دارید یا خیر

افتخار الواعظین - بنده پیشنهاد خودم را استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد محمد هاشم میرزا مجدداً قرائت میشود و رأی میگیریم (مجدداً قرائت شد)

رئیس - آقابانکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام ننمود)

رئیس - قابل توجه نشد - شرر در مواد ختم شده مذاکره در کلیات است در کلیات مخالفی نیست؟ (هشترودی - بنده مخالفم)

هشترودی - اگر چه آقایان با اظهار خودشان تصدیق کردند که این جور چیزها راجع به مجلس است و بنده بعقیده خود آقای مخبر و آقای معاون مالیه تصدیق کردند و گفتند که عیب ندارد این جور نوشته شود و این سه ماده هم از مجلس میگذرد منافی بآن اصل قانون اساسی نیست که باید از تصویب مجلس بگذرد اما بنده چون عقیده ام این است باینکه با استحضار و تصویب خزانه دار کل هم نوشته شده باز هم آن حق مجلس را بنده لازم میدانم که باز تمام شروط و مواد اجاره که معین شده بهتر است بپس بیاورد و مجلس در آن نظرات بکند لهذا در این کلیات بنده باز مخالفم و باین مواد رأی نخواهم داد چنانچه رأی نداده ام

میرزا الملک - بنده در این موقع نمیخواهم تجدید مذاکرات نمایم و اینکه فرمودند مخبر تصدیق کرده که از وظایف مجلس است خیر بنده هرگز تصدیق نکردم که از وظایف مجلس است بجهت اینکه عقیده شخص بنده این است که اجاره از وظایف مجلس نیست و مجلس شورا نمیتواند برای اجاره دادن دکان سبزه میدان داخل مذاکره بشود ولی بنده عرض کردم بر فرض که آن ماده قانون اساسی طوری تفسیر شود که اجاره از تکالیف مجلس است طوری این را بپورت نوشته شده است که در آن صورت هم مخالفی نخواهد داشت و اگر حرز نشود که اجاره از وظایف مجلس نیست باز همان کسی که حق داشته است و اجاره داشته است املاک خودش را اجاره داده است

آقا شیخ رضا دهخوارقانی - بنده از عرایض سابق معلوم بود که مخالف کلی این لایحه بودم که اجازه اجاره دادن بوزارت مالیه داده شود بجهت اینکه گرچه ماده قانون اساسی را مشمول این میدانم ولی این فروش است نه اجاره ولو اینکه در اجاره هم شپه باشد باز فروش است و اینکه آقای مخبر فرمودند که اجاره دکان سبزه میدان نباید بپس

باید بنده عرض میکنم عمده وظیفه مجلس شورای ملی نظارت در مالیه مملکت است و لو یک شاهی باشد باید خیلی دقت بکنند که تفریط نشود اجاره دکا کین سزه میدان نباشد تصور بفرمائید که یک دکان کوچکی در سزه میدان میخواید دولت بفروشد این باید بصوب مجلس باشد و چیزی هم کفروخته میشود باید با اجازه مجلس باشد و این هیچ شکلی نیست که فروش است نه اجاره والحمدالله که مجلس هم آمده است و استجاره کرده اند از مجلس ندان اشکال نیست ولی اشکال در آن است که بنده عرض سابقم را عرض می کنم امرا داور است بین اینکه فروخته شود حقوقیکه دولت دارد یعنی حقوقیکه از محصولات دارد مباحثین یا یک کمپانی یا اینکه دولت حقوق خود را از سکنه خالصات بتوسط مأمورین خود بگیرد بنده عقیده ام این است که این دوومی بهتر است برای اینکه دوومی هم حقوق نروسی و مالی و عرض و سکنه محفوظ خواهد ماند بعین اینکه هر یک از اینها البته شرف دارند بهر کدام از اینها بشیرایی بزنند یا چوب بزنند فحش بدهند عرض آنها را برده اند و همه شما ها شنیده اید که کمپانی در این چند ماه چه ها کرده اند آنها هم البته مثل شما هستند شما هم مثل آنها هیچ فرق ندارید چنانچه بهر یک از شما فحش دادند و در ظاهر بزرگساز شما هم باشند از حیث مالیه و غیره البته بعزت و شرف شما بر میخورد پس باید شرف آنها محفوظ باشد پس باین جهانی که عرض کردم بنده هیچ تصدیق و تصویب نمیکنم این خالصه بکمپانیها اجازه داده شود دولت باید این حقوق را بتوسط مأمورین خود از سکنه خالصات بگیرد و اداره کند آنچه گفته میشود در مقابل اظهارات بنده البته آقای معون وزارت مالیه اظهار بکردند که تصدیق نکردند ولی بعضی از نمایندگان اظهار کردند که دولت مقتدر نیست یعنی نمیتواند که چهارصد پارچه ده را اداره بکند دولت و وزارت مالیه مملکت ایران تمام مالیه مملکت ایران را میخواهد اداره بکند و کرده است و تا حال که آن دوره دوره بیگانگان بوده است از اینجهت اختلال بوده تمام مملکت را از امروز اداره کنند نه چند پارچه ده اگر دهات مختصری را نتواند اداره کند بطور تمام ایران را میخواهد اداره کند این هیچ منطقی نیست پس از همان جهانبکه عرض کردم بنده تصویب نمیکنم که به کمپانی اجازه داده شود .

رئیس - مناکرات گویا کافی باشد (گفتند کافی است)

رئیس - رأی مگیریم بکلیه این لایحه وزارت مالیه که شامل سه ماده است از طرف کمسیون پیشنهاد شده است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد - آقای معاون مالیه اظهاری داشتید .

معاون مالیه - لایحه که از طرف وزارت مالیه پیشنهاد شده بود راجع بدو فقره بود یکی راجع بقرارداد جدید کمپانی و یکی راجع بخسارت کمپانی و اینکه ورتفانها شده بود از طرف وزارت مالیه و اگر قرارداد آنها را تصویب نفرمودند بقراری در باب خسارت آنها بعد از سه ماهه قرارداد

که راجع بکمسیون قوانین مالیه بود راپورتش را بمجلس تقدیم کرد و از مجلس گذشت - آن کمپانی منحل شد یعنی مجلس آنرا قبول نکرد فقط بماند مسئله خسارت که رجوع شده است بکمسیون بودجه و وزارت مالیه تقاضا میکنند که زودتر راپورت او را بمجلس بدهند تا اینکه مالیه تکلیف خودش را با اعضاء کمپانی بماند و صورت مفصلي هم داده اند بمالیه مشغول تقشیش است بیکسورت صحیحی هم تقدیم کمسیون خواهد گردید .

مخیر کمسیون بودجه - لایحه کمپانی خالصه که در خصوص خسارت پیشنهاد شد در کمسیون مطرح شد ولی لایحه طوری نبود کمسیون بتواند داخل مذاکره شود بجهت اینکه وزارت مالیه تصدیقی در این خسارت نکرده بود فقط یک کمیسونی در وزارت مالیه تشکیل شده با کمپانی خالصه بعضی مواد نوشته اند و در آن کمسیون بعضی راپورتها داده است و بعضی مواد را هم موکول کرده است بطور وزیر مالیه در آن لایحه معلوم نبود در کمسیون این طور مذاکره شده که وزیر مالیه عقیده قطعی خودش را در باب خسارت بمجلس پیشنهاد بکنند تا آن وقت کمسیون بودجه داخل مذاکره شود .

معاون مالیه - اظهاراتی را که کمپانی خالصه در این باب کرده بود در وزارت مالیه رسیدگی شده نهایت وزارت مالیه باید در دفتر آنها پارچه تقشیشات بعمل بیآورد که مالیه بتواند بعد از آن صحت و سقم اظهار آنها را بمجلس پیشنهاد نماید و وزارت مالیه مشغول تقشیش است بعد از آنکه تقشیش او کامل شد راپورت آن را بمجلس بدهد ولی تقاضایی که هست این است بعد از آنی که بمجلس آمد زودتر بگذرد .

رئیس - تقاضایی است از چند نفر نمایندگان راجع باین که عمده جلسات در هفته دو جلسه باشد قرائت میشود بدون مذاکره رأی مگیریم (تقاضای مزبور بعبارت ذیل قرائت شد) ما اعضاء کمپانیان نظر بگرمی هوا تقاضا میکنیم از اول سرطان تا آخر اسد جلسات مجلس را دو روز در هفته مقرر فرمائید که سه شنبه و پنجشنبه باشد اعضاء (۲۰ نفر نمایندگان)

رئیس - در این تقاضا اول رأی بدهد جلسات مگیریم آقایانی که تصویب میکنند جلسات مجلس در هفته دو روز باشد قیام نمایند (عمده معدودی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - بعضی از اعضاء کمسیون نظامنامه انتخابات شکایت میکنند که بعضی از اعضاء حاضر نمیشوند و از این جهت کار کمسیون نمیگذرد و معوق مانده است و از قرار معلوم چون در بعضی از مواد نظام نامه موافقت پیدا نشده و اکثریتی حاصل نمیشود اینست که نمیتوانند راپورت بدهند متذکر میکنم آقایان را که لازمست همیشه در یک مطلبی اکثریت شود ممکن است که راپورت بدهند و آن مطلب را رجوع کنند بمجلس که پیش از این مطلب بدهد تعویق نیندند دیگر اینکه کمسیون داخله شکایت میکند که رئیس کمسیون اغلب حاضر نمیشود نایب رئیس هم ندارند اینست که اغلب عمده برای مذاکرات کافی نمیشود آن شخصیکه رئیس است اگر نمیتواند حاضر شود خوب است با از

ریاست یا از عضویت استعفا بدهد .

دستور جلسه پنجشنبه بقیه قانون تعرفه تلگرافی شور اول قانون جنگلها - طرح قانونی - عزالملك راجع بدم استخدام نمایندگان بشل دولتی - راپورت کمسیون بودجه - راجع بورت سید حسن و میرزا اسمعیل مجاهد مخالفی نیست ؟ (مخالفی نبود)

(مجلس یک ربع بعد از ظهر ختم شد) .

جلسه ۲۶۳ صورت مذاکرات روز پنجشنبه ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۶

مجلس سه ساعت و ربع در تحت ریاست آقای آقا میرزا مرتضی قلیخان نایب رئیس افتتاح و سعادت قبل از ظهر رسماً تشکیل گردید .

صورت مجلس قبل قرائت گردید (غائبین جلسه قبل) .

بدون اجازه - ناصر الاسلام با اجازه بهجت - حاج شیخ الرئیس - حاج امام جمعه آقایانی که از وقت مقرر تاخیر نموده اند - نجم آبادی - آقا سید محمد باقر ادیب

نایب رئیس - ملاحظاتی هست ؟

ادیب التجار - در خصوص سئوالات ابتداء بنده عنوان کردم که اغلب این سئوالات را شش و هفت ماه است داده ام بعینت رئیس و بر کرده اند یا هیئت دولت حاضر نشده اند و جوابهای بنده را نداده اند این مضرب در صورت مجلس قید شده و لازم بوده است قید شود و مضرب دیگری که فراموش شده سئوال دوازدهم است در باب جنس دولتی از قم افاده است بنده سئوال کردم که جنس دولتی امسال چقدر است و تسعیر میشود یا میشود جواب دادند و این سئوال نوشته نشده است .

نایب رئیس - این مطلب تانی نوشته میشود ولی مضرب اول را نمیشود نوشت بجهت اینکه هر مذاکره که در مجلس در ضمن سئوال میشود نباید همه را نوشت .

ادیب التجار - این کلی است و از قلم افاده است .

نایب رئیس - چهار فقره راپورت از کمسیون تفسیر رسیده است دو فقره راجع بنظام یک فقره راجع بعنتم قانون اساسی در باب اجاره و استجاره و یک فقره در باب وظایف طبع و توزیع و جزء دستور میشود - آقای منتصر السلطان راپورتی داشتید ؟

منتصر السلطان - راپورتی است برای استحضار خاطر آقایان قرائت میکنم (راپورت مزبور بعبارت ذیل قرائت شد) :

تقریباً از دو ماه قبل کمسیون عرایض مصمم بود که در یک مطلبی اکثریت شود ممکن است که راپورت بدهند و آن مطلب را رجوع کنند بمجلس که پیش از این مطلب بدهد تعویق نیندند دیگر اینکه کمسیون داخله شکایت میکند که رئیس کمسیون اغلب حاضر نمیشود نایب رئیس هم ندارند اینست که اغلب عمده برای مذاکرات کافی نمیشود آن شخصیکه رئیس است اگر نمیتواند حاضر شود خوب است با از

و اگر یزودی از طرف دولت فکری برای آن ناحیه نشود ممکن است زحمات فوق العاده تواید کند دوم وضع رفتار حکام نسبت باهالی فقط در این خصوص قناعت بکاشان و آروس می نماید بطوری شکایات متواتره از حاجی علی رضاخان و امیر معزز رسیده و میرسد وقت کمسیون عرایض را مستغرق مینماید کمسیون عرایض بموجب و بقیه که دارد مطالب را بوزارت خانها رجوع و اصلاح آنها خواستار میشود ولی از طرف وزارت خانها جوابی که بتوان امیدوار بود کمتر میرسد چنانچه بهمین عنوان وزارت خانها معمول فرمایند خاطر محترم آقایان را مسبوق مینماید که وجود کمسیون عرایض لغو و باید یک فکر اساسی در این خصوص مجلس مقدس بنماید

نایب رئیس - چند نفر از آقایان اعضاء کمسیون استعماء داده اند انتظام الحکماء از کمسیون داخله آقا میرزا رضا خان از کمسیون فوائد عامه این دو نفر را در جلسه آتی باید انتخاب کنیم آقای ذکاء الملک هم چون در سه کمسیون انتخاب شده اند و باید از یکی استعفا بدهند از کمسیون بودجه استعفاء داده اند از همان شعبه که خودشان انتخاب شده اند و ریاست هم دارند خوب است بکفر بجای خودشان انتخاب بکنند - دستور امروز بقیه شور در قانون تعرفه تلگراف شور اول قانون جنگلها - طرح آتومی عزالملك راجع بدم استخدام شرف دولتی نسبت بتمهید گن - راپورت کمسیون بودجه راجع بورت دو فقره مجعده در بقیه قانون تعرفه تلگرافی هم ذکره میشود راپورت کمسیون قوانین اساسی قرائت میشود (راپورت مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۰ - از راپورت کمسیون ۱۷ جمادی الاخری کمسیون فوائد عامه یک کمسیون ارجاع شده بود این سئوال در کمسیون فوائد عامه بطور معمول است و سئوال در کمسیون است ۲۱ مطرح میگردید و لایحه کمسیون است و سئوال اظهار داشته کمسیون با اکثریت آراء پیشنهاد آقای اردیبیلی را رد کرد عین راپورت ۱۷ جمادی الاخری را بمجلس عودت میدهد (مخیر کمسیون اخبار الزامات)

نایب رئیس - معاینه در این باب نیست ؟

نایب رئیس - این لایحه در موقعبکه ابشاده شور شد عرض کردم که این اسباب این میشود که در همه جا اجزاء تلگرافخانه اظهار خواهند کرد که این آدرس کافی نیست و بطرف مقابل تمهید باید واضح بنویسند و در نیست که هر قدر هم معین کنند محل و نشانی و وجه را بنویسند باز هم بگویند که واضح نیست بجهت اینکه مثلا شغل اشتراک دارد با جقات دیگر و این مضرب را که ممکن است یکروزه جواب بدهند بهمین بابت ۱۵ روز جواب ندهند و اسباب اختلاف خواهند شد بنده باین ملاحظه عرض کردم که این فقط در یک موردی مستثنا باشد که طرف مقابل معروف باشد ممکن است که بفرمایند که در تلگرافخانه معروفیت معنی معنوی نمی شود عین ملاحظه میقتدر که مخایره کنند خودشان اعمیانی پیدا می کنند که این تلگراف من خواهد رسید تلگرافچی باید مطمئن و قانع باشد بجهت اینکه

تلگراف برای کار مهم و ضروری است و مخایره کننده ناچار است که عنوان مخاطب خود را طوری بنویسد که از رسیدن آن مطمئن باشد و مجبور است که بقدر کفایت آدرس بنویسد و در موقعی که معروفیت داشته باشد طرف او آدرس مختصر کفایت میکند همان قدر که او نوشته است نباید تلگراف خانه ایراد و اصرار کند که این مخایره شما کافی نیست و بقصد نخواهد رسید و از میان خواهد رفت و حال آنکه آن شخص عنوان آدرس را بطور واضح نوشته باشد حالا این اسباب اشکال در نظر بنده بوده که آن اصلاح را پیشنهاد کردم و قابل توجه هم شد و گویا همین ملاحظات در نظر آقایان بوده که با اکثریت رأی دادند حالا آقای معاون اگر دلیل دیگری پیدا کرده اند که شاید آقایان متقاعد شوند بفرمایند تا متقاعد شویم .

معاون پست و تلگراف - اول باید دانست موضوع این ماده که اینجا نوشته شده است از برای چه بوده است این محقق است که گویا بنده تلگراف باید طرف خودش را بطور واضح معین کند این محتاج نوشتن نبود این که نوشته شده است از برای ماده بعد است چون خواستند بگویند که گویا بنده مطلب میتواند طرف مقابل خودش را بیک اسم مختصری بیان کند و مطلب خودش را بگوید سالی یک میلی بدهد همان طوریکه این ماده گذشت برای این که آن ماده که نوشته شد لازم بوده که این ماده را هم بنویسند که گویا بنده مطلب باید اسم طرف مقابل را بطور واضح معین کند و الا اداره تلگراف از یک نقطه نظر دیگری که تصور بفرمایند همان طوریکه تمام تجار حاضرند که متاع خودشان را بطور سهواً بفروشد اداره تلگراف هم باید سهولت کار را معین کند و بهر نحوی که هست مطالب مردم را بکمال سهولت برساند بعضی مطالب دیگر هست که اینجا نوشته است که حالا هم معمول است مثلا مطالب تلگرافی که میرسد بیک معنی اگر چنانچه صاحب مطلب بجز دیگر گفته باشد خیلی سنی دارد اداره تلگراف که مطالب را باو برساند و در این ماده آن چه نوشته اند اینست که گویا بنده مطلب باید طرف مقابل خود و محل و مکان او را بطور واضح معین بکنند چنانچه آقای ارباب آن روز پیشنهادی فرمودند مکان را برداشتنند و همین طور باید عنوان طرف مقابل را بطور واضح معین نمایند اما این که فرمودید که طرف مقابل در صورت معروفیت توضیح لزوم ندارد پیشنهاد فرمودند دلیلی که دو کمسیون بنده اقامه کرده ام که آقایان متقاعد شده اند فقط این بود که گویا بنده مطلب در صورتیکه طرف خودش را محتاج نداند بطور واضح میخوام به بیم کاین محتاج نبودن در بیش کی است و از نقطه نظر کیفیت میخوام بدانم که آیا ممکن هست که بنده بطرف خود که تلگراف میکنم بیش بنده آن عنوان واضح است و آن شخص معروف است اما پیش اداره تلگراف که این واضح نیست باید آن را معین کرد که بعد از اینکه این مطلب را گفت و طرف در اینجا نبود اداره تلگراف آن مسئولیت را نمیتواند قبول بکند چنانچه در نظامنامه موادی دارد که اداره تلگراف خانه مطلبی را که برساند باید از عهده قیمت دو برابر او بر آید پس این مطلب که در اینجا نگذرد که

طرف مقابل را بطور واضح معین بکنند اداره تلگراف چنانچه در نظامنامه خودش بنویسد اگر نتوانست مطلب را برساند برای این که گویا بنده مطلب طرف مقابل را بطور واضح معین نکرده است از آن خسارت معاف باشد پس ناچار است که این ماده را در اینجا بنویسد که مسئول نباشد والا اساساً اداره تلگراف معینش این است که مطلب تلگرافی را بهر نحوی که هست از برای رواج کار خودش برساند پس این ماد را از دو نقطه نظر بنده یکی از برای آن ماده بوده که تخفیف بدهد بمطالب که گویا بنده مخاطب خودش را بیک کلمه بتواند بگوید و سالی سه تومان بدهد این یکی و یکی دیگر اینکه در نظامنامه خودش بنویسد که اگر گویا بنده تلگراف طرف خود را بطور واضح معین نکرد از این جریمه که اگر آن مطالب را نرساند دو مقابل وجه آن را بصاحبش رد کند معاف باشد .

محمد هاشم میرزا - آتقدر اشکال تراشی بجهت این ماده قانونی که میخواهد بگذرد خواهد شد که تلگراف کنندگان از تلگراف کردن خودشان یشبان خواهند شد بجهت این که آن ملاحظه بفرمائید که کسی که تلگراف فوری یا رسمی میکند بول میبدهد لا بدیک کار مهمی دارد که تلگراف بصر مقابل خود میکند بیکار نیست که بول مفت بدهد و این مودع تلگراف بکنند ملاحظه بفرمائید که شصت سال قبل تلگراف در ایران دایر شده است شاید یک اتفاق نیفتاده باشد که اسم مشترک باشد یا چیزهای دیگر که بطور واضح بنویسند برای اینکه تلگراف معطل نشود و الا اغلب تلگرافها که رسیده است این منضم است اگر بیست کسی معروف بخواهند تلگراف بکنند آن تلگراف با عنوان خیلی وضوحی نوشته نمیشود و الا اگر دیدم که اسم مشترک است البته بنویسند فلان محل فلان کاروانسرا الان هم معمول است که تلگراف میکنند برای آنکه تلگرافشان برسد بنویسند سنگیج سر تخت فلان محل اسم فلانکس و الا مردم بول بیعود که نمیدهند البته میل دارند که بول بدهند و تلگرافشان برسد خودشان هم بطور واضح تلگراف میکنند حالا محض اینکه بخواهند بطور واضح باشد که اینچنین اتفاقات نیندند اسباب معطلی اجزاء تلگرافخانه نشود این بطور وضوح را در قانون زیاد کرد نمولی به بقدر پیشنهادی که آقای اردیبیلی کردند این بود که اگر معروف نباشد باید بطور واضح نوشت این خیلی خیلی خوب پیشنهاد است مگر یک دلایل معین باشد بررد پیشنهاد والا این يك قاعده کلی شده است که هر پیشنهادی که بکمسیون فوائد عامه میرود معین قبول نمیشود گویا این قاعده کلی جاری بوده است و برای این است که تماشا ملاحظه طهران را میفرمایند و اداره اینجا که اسمی مشترک زیاد است و حال آنکه يك حسن و يك محض است و يك محمد اسم را تلگراف بکنند در يك خانوار فقط يك حسن است و يك محمد فقط بهر کز با طهران و اصفهان نگاه نکنند که اسمی مشترک و اتفاق مکرر زیاد است ولی در جاهای دیگر اگر کسی صاحب عنوان تلگراف باشد کاملا معروف است بتجربه حاصل شده است که آتاهائی که تلگراف میکنند عنوان طرف مقابلشان را واضحا تلگراف میکنند

و بسا حبش هم رسیده است در مدت مدیدی اگر یک اتفاقی بیفتد و از این قبیل هم خیلی کم اتفاق می افتد و دلیلی که میآورند برایش اینست که یک نظامنامه خواهیم نوشت و آن نظامنامه اینطور خواهد بود حالیکه قانونی بگذرانیم که تابع نظامنامه شود بنده عرض میکنم که نظامنامه تابع قانون است نظامنامه بواسطه قانون مجزاست نه قانون بواسطه نظامنامه این شکل بنویسند لهذا عقیده بنده این است که آن پیشنهاد خیلی خوب خواهد بود دلایلی را که آوردند بنده را فایده نکرده

افتخار الواعظین - اما اینکه شاهزاده فرمودند که سیون فوائدها اغلب پیشنهاد هارا که آنجا میرود رد میکنند خیر این شکل نیست بجهت اینکه پیشنهاد آقای ارباب کبیر و در کمیسیون پذیرفته شد با پیشنهاد کتبه البته کمیسیون فوائدها را نظری و فرضی نخواهد داشت آقای معاون یک ادله آنجا بیان کردند که واقعا کمیسیون را متقاعد کردند حضرت والا اغلب فرمایشاتشان دلیل بر مقصود کمیسیون است خواهند فرمود چطور عرض میکنم معلوم است تلگرافخانه ملزم است و مجبور باشد هر چه شما نوشته عین سؤال شما را مخابره بکند و از آن طرف هم مجبور است که تلگراف شارا را بقصد برساند حالا تلگراف کننده چند تلگراف کرده است مثلا بوزارت جنگ یا بابت شهری بجا کم یک ولایتی بر مردمان محترم پنجار و اشراف و اعیان و علماء تلگرافخانه با و نمیگوید که اسم پدر اینها را معین کنید که من بتوانم برسانم این از برای بعضی مواقع است که اسامی مشترک باشند و آن شخص مخاطب معروفیت نامه نداشته باشد و برای اینکه بتواند اداره تلگراف قبول رسانیدن این تلگراف را بقصد نماید این نامه نوشته شده که اگر چنانچه حاج محمد حسین باشد در طهران حاج محمد حسین اسم خوبی باشد اداره تلگراف از آن نتوانست برساند بگوید صاحب تلگراف که اقلات رسانیدن تلگراف شما این بود که حاج محمد حسین مطلق نوشته بودید اگر شما این لفظ اسمیانی یا آذربایجانی آنجا نوشته بودید میتوانستیم برسانیم ولی چون نوشته بودید این از اسامی مشترک بود پیدا نکردند فرستاد تلگرافخانه و من مسئول ادای آنجریه نیستم والا شما باید بدانید که اداره تلگراف چه طرف معروف باشد چه نباشد مجبور است که تلگراف را برساند

نایب رئیس - مذاکرات کافی است رای میگیریم اول باصل ماده ماده مجدداً قرائت شد

نایب رئیس - آقایانیکه تصویب میکنند بدون پیشنهاد آقای اردیابی قیام نمایند (چند نفری قیام نمودند)

نایب رئیس - اصل ماده رد شد رای میگیریم پیشنهاد آقای اردیابی آقایانیکه موافق قیام نمایند (مصدودی قیام نمودند)

نایب رئیس - قبول نشد پس این ماده حذف می شود ماده ۱۵ قرائت میشود (ماده مذکور عبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۵ - برای اخذ سواد هر تلگرافی تا یکصد کلمه دوازده هزار دینار و از صد کلمه زیادت تا

یکصد کلمه یا صد دینار اضافه دریافت میشود

نایب رئیس - مخالفی نیست؟

شیبانی - بنده مخالفم - اگر چه این مطلب بنظر خیلی کوچک میآید ولی تصور میکنم از برای یک نفر که صدویک کلمه شد این سواد برای آن یک کلمه دهشاهی خواهد داد این یک قدری براونحلیل خواهد شد و از عدالت خارج است بنده پیشنهاد کرده ام که هر پنجاه کلمه پنجشاهی بدهد پولش تفاوت پیدا نمیکند علاوه سهولتی است از برای این کسی که صورت سواد میگیرد و یک اصلاح عبارتی هم در این ماده بود بنده آنرا اصلاح کرده و این را پیشنهاد نمودم مفصلاً هم در این ماده جواب و سؤال نمیکند که زود تر اینها بگذرد

حاج وکیل الرعایا - گمان میکنم که باین اندازه از عایدات دولت کاهش صحیح نباشد و یک نظری میخواهد که شاید ما از او خبر نداشته باشیم و آن اینست که تصور میکنم فایده از آسمان نازل میشود و اگر بدانیم مخارجی است باید عایدی هم در مقابل داشته باشد بنده پیشنهادم چطور برای یک کسیکه صد کلمه تلگراف را باید سواد بدهد و بدهد آن حقوقی را که میگرفتند و خبر داریم بگوئیم دو هزار کمتر بدهد یا بعد از او هر صد کلمه بماند دینار که هر صد کلمه صد دینار میشود بدهند تصور میکنم اگر تصویب کنیم آنرا هم مخارج آن شخص که اینکار را میکند توانسته ایم بدهیم و هم یک چیزی جزانه دولت توانسته ایم برسانیم از این دو هزار یا صد دینار یکه اخیراً قرار داده اند نباید کاری بکنیم که این هر دو نشود و گمان میکنم که از جزئیاتیکه همی از عایدات دولت کم کم ما کم می کنیم اخیراً ناچار میشویم که خیلی کسر پیدا کنیم به همین جزئیات است که جمع میشود عایدات کلی میشود آقایان باید سعی کنند که از این راه های مشروع برای این مملکت را اداره کرد با این وضعیکه مبینید که البته خیلی وضع ناگواری است باز هم تخفیف میدهید سابق هر پنجاه کلمه یک قران میگرفتند حالا کرده اید صد کلمه و بعد از صد کلمه هر صد کلمه ده شاهی بنده اگر در کمیسیون بودم هر گز مجبورای نمیدادم و میگفتم که از همین راههای مشروع باید دخل دولت را زیاد کرد محتاج نیست بگیرد سواد را

نایب رئیس - پیشنهاد است از طرف آقای شیبانی قرائت میشود

(پیشنهاد مذکور عبارت ذیل قرائت شد) - ماده ۱۵ را بنده پیشنهاد میکنم بترتیب ذیل نوشته شود برای اخذ سواد تلگراف تا یکصد کلمه اول دوازده هزار دینار پس از آن هر پنجاه کلمه پنج شاهی اضافه دریافت میشود

شیبانی - بنده گر چه توضیح دادم ولی عرض می کنم که محتاج به توضیح نیست همینقدر در جواب آقای حاج وکیل الرعایا اگر اجازه بفرمائید عرض بکنم که فرمودند عایدات دولت را نباید جلوگیری کنیم و باید سعی بکنیم که عایدات دولت زیاد شود عرض میکنم تا بحال سواد تلگراف جزء عایدات دولتی و اداره تلگراف نه بوده است باختلاف هر چه دلشان میخواست یک پولی میگرفتند و سواد میدادند بر مردم بعضی اوقات هم مجانی می

دادند بعضی اوقات صد کلمه یک قران یا زیادت میگرفتند حالا این را قانونی کردیم که یک پولی از این راه عاید دولت شود و تصور میکنم که پیش از این پول سواد از مردم گرفتن دور از انصاف است و بیشتر از شخصی که میآید سواد میگیرند فقراء و ضعیفا هستند برای آن حکمیکه صادر میکنند سواد می خواهند داشته باشند که سهولت داشته باشد و اگر یک تخمیلی بشود هیچکس قدرت سواد گرفتن را نخواهد داشت از فقراء

نایب رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد **حاج شیخعلی خراسانی** - این صورتی که ذلاتین کرده اند و بنا داده اند نوشته اندرای قطعی گرفته اند با اکثریت ۵۷ رای تصویب شد چیزی را که ما رای قطعی داده ایم و گذشته است دیگر چطور میشود که تا بیا در آن مذاکره کنیم و رای بگیریم

افتخار الواعظین - اینجا وقتیکه پیشنهاد کردند شاهزاده لسان الجکماء قابل توجه شد و رئیس بنده فرمودند که کمیسیون چه میگوید عرض کردم کمیسیون قبول میکند چون کمیسیون قبول کرد رای قطعی گرفتند ولی از صد کلمه بعد تکلیف آن و از آن پیشنهاد معلوم نبود این بود که در کمیسیون آن عبارت ذیل را زیاد کردند که از صد کلمه بعد هر صد کلمه ده شاهی گرفته شود والا رای قطعی گرفته شده است و در این پیشنهاد نمی شود رای گرفت

مهر زال ملک - این جمله را باین شکل ننویسند باین ماده الحاق کرد ولی میشود که این را بشکل ماده الحاقه زیاد کرد ولی در آن ماده نمی شود رای گرفت زیرا رای قطعی داده شده

نایب رئیس - بله رای گرفته شده است در آن جزء اول و این جزء ثانی باید بعنوان ماده الحاقه نوشته شود و آقای شیبانی هم در این جمله تانی پیشنهاد خواهد کرد

شیبانی - بله بطور ماده الحاقه پیشنهاد بنده بشود

نایب رئیس - این بهتر است که بماند برای بنده از نفس شور در قانون جنگلها را مقدم میداریم و مذاکره در کلیات است

نایب رئیس - تصور اول قانون جنگلها است در کلیات آن باید مذاکره بشود در کلیات آن مخالفی هست

حاج شیخعلی - اجازه بفرمائید؟

نایب رئیس - بفرمائید

حاج شیخعلی - وضع قانون برای چند فایده است یا راجع است به ترتیبات عمومی یا راجع بحدود افراد هر یک بدینگری است یا راجع است بوضع یک مالیاتی بجهت حفظ منافع عمومی بله قانون خوب چیزی است هیچکس نمیتواند رد کند هیچ قانونی را ولو برای هر اداره جزئی باشد اما وقتیکه قانون وضع میشود باید به بنیمن آفائده را که ما از قانون در نظر داریم در این قانون هست یا نیست والا بکمترادی نوشته شود وقتی تصبیح شود و آنمواد بگذرد که فائده قانونی از آن گرفته نشود چه اثری دارد البته برای جنگلها هم باید قانون وضع شود در آنمواد

هم که امروزه ما باید قانون برای جنگل وضع کنیم یا برای مجازات اجزائیکه تعدی می کنند و کدام یک مهمتر است در آنهم عرضی نمیکند اما در همین قانون که از طرف وزارت فواید عامه پیشنهاد شده است بنده عرض میکنم سه ماده از طرف وزارت فواید عامه پیشنهاد شده است که هیچ قانونی ندارد یعنی چطور قانونی ندارد در اینجا دو مطلب است یکی اینستکه یک اختیاری می آید و وزارت فواید عامه که بر طور بنده در جنگلها رفتار کند در ماده ثانی آنهم وضع مالیات است برای جنگلها غیر از این دو فایده چیز دیگری در این قانون نیست بکماده این میگوید که ترتیب جنگلهای اربابی و دولتی را نظامنامه داخلی وزارت فواید عامه خواهد نوشت چگونه تفکیک خواهد کرد وزارت فواید عامه بین جنگلهای اربابی و دولتی معلوم نیست و یک قسم دیگر هم از جنگلهاست که دولتی است نه اربابی عمومی است مثل اینکه در یک محلی یک جنگلی است که از آن جنگل میزم و ذغال آن محل تهیه میشود با جنگلهای آنجا چه قسم معامله میشود آیا مالیات بهیزها و ذغالها خواهد بست چون آنها درخت قوی که عشر گرفته شده اند باید بفهمیم که در آنهاجا چه قسم مالیات می بندند همین تنظیمات جنگلها را وزارت فواید عامه خودش نظامنامه مرتب خواهد کرد ترتیب جنگلها باید از مجلس بگذرد تا اینکه به بنیمن چه وضع است وجه ترتیبی دارد و در این قانون فقط دو فایده منظور کرده است یکی اینکه یک اختیاری از برای خودش بگیرد که در جنگلها هر طوریکه خواهد رفتار کند و آنوقت معلوم نیست که تفکیک بین جنگلهای اربابی و دولتی را چگونه خواهند کرد یکی دیگر اینکه تنظیمات جنگلهای دولتی را که چگونه درخت به برند و چگونه درخت بکارند و چطور اداره بکنند اینجا نیست و اگر لازم است که ما امروز یک قانونی برای جنگلها وضع کنیم بهتر اینستکه خود وزارت فواید عامه یک قانون مفصل تری اول در خصوص تفکیک جنگلهای دولتی و اربابی پیشنهاد کنند و در ثانی آن ترتیبی را که خواهد در جنگلها رعایت کند که فوایدش برای مملکت کلی است آنها را هم رعایت بکند و مجلس پیشنهاد بشود والا این قانون هیچ پدر در امروزه ما نخواهد خورد

افتخار الواعظین - آقایان باید نظر مبارکشان باشد که دولایحه قانونی از طرف وزارت فواید عامه بپسندید شد یکی از برای کلیه جنگلهای دولتی و یک لایحه برای کلیه جنگلهای اربابی و وزارت فواید عامه هر دوی آنها را ناقص میدانست و امروز اگر آقای حاج شیخعلی بدانند که علت تقدیم این سه ماده قانون چه چیز بوده است البته تصدیق خواهند فرمود که این سه ماده باید از مجلس بگذرد در اینکه یکی از منافع و منابع عایدات دولت جنگلهاست حرفی نیست و در اینکه امروز هم تعدیاتی میشود هم جنگلهای دولتی هم جنگلهای اربابی حرفی نیست و دولت وارو باینکه سه ماده هم باشد باید یک مستسکی درست داشته باشد و حالا سه ماده هم برای کسب تکلیف درست ندارد نمیتواند از آنها جلوگیری کند و اگر مفصل و مشروع بخواهند مطالب

را بفهمند بنده میتوانم در کمیسیون یا در خارج از این اطاق پارلمانی با ایشان عرض کنم و متقاعدشان بکنم امروز متصلاً هم از جنگلها درخت است کمیبرند و حمل بخارج و داخل می کنند بدون اینکه یک - دینار بدولت عاید شود بلکه از جنگل های دولت هم می برند و دولت نمی تواند جلوگیری کند و البته از برای تنظیم جنگلها از طرف دولت و وزارت فواید عامه یک قانون مدونی و یک قانون منطقی مثل قانون سایر دول پیشنهاد خواهد شد که او مشتمل بر چندین فصول و مواد خواهد بود ولی دیدند که اگر بخواهند آن قانون مفصل را پیشنهاد کنند مجلس تا آن بگذرد آن تعدیاتی که روز بروز بدولت میشود از طرف داخله و خارجه به حقوق دولت دولت نمیتواند از آنها جلوگیری بکند این است که وزارت فواید عامه هم این سه ماده را قانون جنگلها میدانند که کافی باشد دیگر که پیشنهاد نشود برای اینکه آقایان تصدیق خواهند فرمود که جنگلها از دو قسم خارج نیست یا اربابیت و متعلق بصاحبان املاک است یا از قبیل جنگلهای مازندران رشت و کیلان است که متعلق بدولت است این سه ماده را عجاناً وزارت فواید عامه میخواهد از برای جلوگیری تعدیاتی که میشود کام و وز در جنگلها من غیر روه متصلاً مشغول بریدن هستند بدون اینکه خوفی بدولت بدهند و جای درختها بیکه کنده اند غرس کنند یا اینکه از روم برین آندرختها معین شود و متصلاً درختهای قیمتی را میبرند و میبرند و یک حقوق گمرکی خیلی مختصری آنها هم اگر تفتیش بشود گرفته میشود والا وزارت فواید عامه این سه ماده را پیشنهاد کرده است برای اینکه امروزه با کمال عجله بتواند جلوگیری از آن تعدیات بکند و بعد البته قانون مفصل مدونی پیشنهاد خواهد کرد مثل سایر دول و البته از تصویب و نظر آقایان خواهد گذشت

مهر زال ملک - بنده اخطار نظامنامه دارم **نایب رئیس** - بفرمائید

مهر زال ملک - بنده هیچ نمی خواهم داخل بشوم در این قانون ولی همینقدر عرض میکنم چیزی که قانونی دارد و لایق است که بگذرد ماده دوم است بجهت اینکه ماده اول و سوم قانون نیست و ماده دوم یک ماده قانونی است هیچ راجع بوزارت فواید عامه نیست و باید از وزارت مالیه پیشنهاد بشود و برود بکمیسیون قوانین مالیه و از آنجا باید بمجلس ماده اول اجاره است که آن اجاره را وزارت فواید عامه وارد نیست اینک شما در ضمن تکالیف وزارت فواید عامه نوشته اند اداره کردن جنگلها از وظیفه او است او باید اداره بکند و ماده سوم هم در واقع یک نصیحتی است که باید اطاعت بکند نظامنامه وزارت فواید عامه را قانون نیست

افتخار الواعظین - بنده هیچ معنی فرمایش آقایان نفهمید فرمودند اخطار نظامنامه دارم و بعد درباره اخطار نظامنامه فرمودند که ماده دوم راجع است بکمیسیون قوانین مالیه خیلی غریب است چه بفرمائید جنگلهای اربابی رعایت آن نظامنامه که از طرف وزارت فواید عامه نوشته می شود رعایت مقررات آنرا بکنند آن نظامنامه ها در وزارت فواید عامه نباید که تنظیم بشود این بدیهی

است جنگلها از طرف وزارت فواید عامه تنظیم می شود و باید از بطور وزارت مالیه ندارد که برود بکمیسیون بودجه و ماده دوم موضوع یک مالیاتی است و ماده سوم که فرمودند یک نصیحتی است بنده نفهمیدم چطور نصیحت است و موعظه است این يك ماده قانونیست برای تنظیم و محافظه کلیه جنگلها و تفکیک جنگلهای اربابی از جنگلهای دولتی که وزارت فواید عامه میگوید آقای مالک شما کاین جنگل را مالکید به بنیم از روی چه ترتیبی است مالکیت شما مالک هستید مالک نیستید و اینها از تکالیف وزارت فواید عامه است

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده کلیه قانونی که مجلس می آید اهمیت مذاکره در کلیات آنرا زیاد از مذاکره در مواد آن میدانم قانون نظریات عینی لازم دارد و بنده میخواستم شرح منطقی عرض بکنم ولی مخیر بعضی تفصیلات فرمودند که قدری قانع شدم و این جنگلها یکی از قوانین مهم است و جنگل در هر مملکت خصوصاً در مملکت ما که هیچ اسمی ندارد و یکی از منابع بزرگ ثروت مملکت است مثل معادن و معادن برای ما مشکل تر است و جنگلها خیلی سهل الوصول تر است و این نظر عیبی لازم دارد و بنده خودم یکی دو سفر کرده ام و میدانم چه بر سر جنگلها میآورند اولاً اگر نخواهد یک حق قانونی وضع بکنند باید وزارت فواید عامه ملاحظه بکند که اسباب اجرای این قانون را دارد اسباب اداره کردن جنگلها را دارد یا ندارد و آن تنظیمی که بنده جلو گیری از تخلف آن میتوانند بکنند اگر بر خلاف تنظیمات او عمل کردند مجازات چه قسم میدهد قوانین که برای جنگلها وضع میکنند دو قسم است یک قسم راجع بجنگلهای اربابی است یک قسم راجع بجنگلهای دولتی است برای اربابی ترتیبی میدهد که آن ترتیب را باید مواظب شوند چطور بکارند چه قسم درختها را بکنند کداه قسمت را به برند و عوض آنها را چه قسم بکارند در هر زمین مناسب آن بکار معنی جنگل اصلاً چیست این معلوم شده است حالا بنده بکمالتی عرض میکنم هر گاه من در نزدیکی طهران یک جائزاً کلیه خیابان کاشتم این جنگل است یا جنگل نیست این باغ است یا اینکه کلاً درخت صنوبر و بید کاشتم که بارور نیست آیا هر قدر مکان بزرگتر باشد این جنگل است یا باغ است یا اینکه جنگل همانرا میگوئیم که کسی رفته است در صحرا زمینی را که حیاض کرده و آن جنگل شده است اما اولاً برای جنگلهای اربابی یک ترتیبیاتی میبهم از برای جنگل های دولتی هم یک ترتیبیاتی میدهد قانون بلیس های جنگل هم خودش یک قانون مفصل علیحده است که آنها مواظبت بکنند که چطور بریده شود چطور کاشته شود بریدن آن درختها کدام است بریدن او کدام است هر زمینی او کدام است آنها بیکه بجهت ارباب و تخته و غیره باید استعمال شود کدام است تا بکدام بزرگی رسد بریده نخواهد شد تمام این ترتیبات را میدهد ولی مشروط بر اینکه در اول اسباب اجرای آن را تهیه بکنند و حاضر بکنند و بعد اسباب مجازات را معین کنند حالا هر گاه تخلفی شد چه خواهند کرد بنده مایلیم اینرا نگاه کردم دیدم که مال این قانون اینست که

وزارت فوائد عامه میخواهد از جنگل های اربابی يك مالباتی بگیرد آن هم بجه ترتیبیست و دیگر به هیچوجه باین ترتیب کار ندارد و الا مامین کردیم سابق که وزارت فوائد عامه چه اداره را دارد چه اداره را ندارد اداره جنگلها از مختصات وزارت فوائد عامه است برود اداره بکند نظامنامه میخواهد بنویسد برود بنویسد دیگر لازم نیست که ما بنویسیم برود نظامنامه بنویسد ولیکن این هم کافی نیست که ما بگوئیم برود اداره بکند باید ببینیم میرواند بکند اسبابش را دارد اینها را باید ملاحظه کرد والا وضع قانون هیچ زحمت ندارد و این قانون اینطور میفهماند که میخواهد از جنگل های اربابی يك ده یکی بگیرد آنهم بجه طور و بجه ترتیب از درخت های برنده میخواهد بگیرد از تمام منافع جنگل کجا آدم بگذارد چطور بگیرد تمام ایران جنگل های اربابی دارد مربوط ده يك محصول آن جنگلها را میگیرد آیا بجه قسم خواهد گرفت اینها را دیگر نمیدانم و در این قانون نیست قانون را از روی کتبات های اروپائی وزیر فوائد عامه نوشته بود و آورده بود بمجلس با ۲۲۵ ماده آنوقت میمانستم که اشتباهی کرده است در مملکت قانون را باید بوجه مقتضات وقت پیشرفت گذاشت و این قانون خوب با وعده میدهد که وزیر فوائد عامه در این قانون ملاحظه مقتضات وقت را و این ضررا داشته است اول خواسته است تجربیاتی پیدا کند بعد ماده بنام پیشنهاد کند مجلس و آنوقت آن قانون خوب اجراء میشود میتوان امتداد پیدا کند که این قانون ماده بنامه پیشنهاد شود بمجلس بر حسب ضرورت بنده عرض میکنم این یکی را بعد از آنهم مذاکره ای که شد باید در نظر گرفت چنانچه دیده اند شاید پیشوقمی يك نادانی آتش زد جنگل این را که خواهمش خواهد کرد و ممکن است که بگوئیم وقتی که جنگل آتش گرفت ذغال آن یکسره کی میرود و برود مردم خواهد خورد خیر خواهد سوخت ذغال آتش خاکستر خواهد شد و بیاد خواهد رفت و يك چنین نعمتی باین بزرگی که آفت زحمت دارد از دست خواهد رفت چنانکه در مملکت ما فرستاده ها بوده و از دست رفت است و جای او هیچ نمونده عجالتاً بنده تنها میکنم که بگذرد باین يك نسیم از عبادات مملکت داشته باشند علاوه در بعضی چیزها که شاید در مملکت شما یک چیز مهمی است و مخصوصاً در تراکت هوا و خوبی این جنگلها خیلی مدخبت دارد که او هم دارد از دست مامیرود عجالتاً یک چنین موادی را بنده وزارت فوائد عامه بنده و او اینکه همین ماده باشد بنده سایر احتیاجاتش را بمجلس تقدیم بکنند تا بر حسب ضرورت قانون را تقدیم بکنند هر حسب کتاب

لوااالدوله بنده مخالفم با کلیه قوانین مجاز از اینکه قانون مجازات آنها وضع شود بمجلس باید و منی دانم آقایانیکه این قوانین را بمجلس میآورند عمدتاً سهو میکنند و اینکه ملتفت نیستند زیرا یک نفر وقتی بخواند يك خانه را اداره بکند يك نوکری میآورد بجهت او خدمتی معین میکند معین است خدمت آنرا که چیست در مقابل خدمت احساس چیست

خیانتش چیست مجازاتش چیست ما الان نمیدانیم که فلان حکومت عراق یا جوشقان فلان خلاف را کرده است و معزول شده است نمیدانیم مجازاتش چیست نمیدانم بجه مجازاتی باور رفتار بکنیم نمیدانیم قانون مجازات برای ما چه دستور العمل میدهد که باریس فلان اداره کخیاخت کرده است مثلا با کسی که صدی دو ازوجه اعانه بر میدارد چه مجازاتش چیست تکلیفاً او چیست باید اول قانون مجازات را بگذرانیم آنوقت قانون بگذرانیم.

حاج سید ابراهیم - این اشکالاتیکه گفته میشود و بیان مخالفت هیچ نیست جز نواقص کار و نواقص کار سبب نمی شود که مادست بکار بریم ولی چیزی که هست آن نواقص را هم در ضمن عمل باید تکمیل کرد و چیزی را که ما اینجا ببینیم این است که معاون وزارت فوائد عامه نیست که توضیحات بدهد که چطور اداره میکند اگر بدانیم که چطور اداره میکند و مطمئن باشیم که بخوبی اداره میکند خیلی میل داریم که این قانون بگذرد و اداره بشود ولی چون ترتیب اداره کردن هیچ در نظر ما نیست و میدانیم که وزارت فوائد عامه از تمام جنگلها بطوریکه باید اطلاع داشته باشد ندارد و روی کاغذ هم نبوده است ما مطلع نیستیم شاید هم اگر معاون وزارت فوائد عامه خودش حاضر و بیان میکرد که ما فقط اداره کنیم و مقصود ما اداره کردن است نه فقط جعل مالیات شاید آقایان حاضر بودند رأی بدهند و قبول میکردند و همراهی هم در تهیه اسباب و لوازم اجراء هم میشد اگر مراد از این قانون این باشد بنده خیلی موافقم و باید این قانون جعل شود اما نسبت بمالیاتش بنده موافقم با آقای معز الملک که این راجع است بوزارت مالیه و باید وزارت مالیه پیشنهاد کند و بنظر کمیسیون قوانین مالیه برسد بمجلس بیاید بجهت اینکه وضع مالیات خارج از اداره کردن است در عمل بشود بنده هم می بینم با این سه ماده ترتیبی داده نمیشود برای منکر ها جز آنکه يك عشری بچوایند از جنگل های اربابی بگیرند آنهم معزوم نیست که بجه ترتیب و چیز دیگری در این ماده دیده نمیشود و بنده تصور میکنم که این سه ماده هیچ فایده ندارد و بنده اطلاع دارم که از وزارت خارجه چیزی نوشته اند بوزارت فوائد عامه که يك ترتیبی از برای جنگلها بدهند و يك قانونی برای آنها بنویسند که امور جنگلها هم تحت يك ترتیبی باشد بجهت اینکه مالکین جنگلها جنگل های خودشان را باقیای خارجه اجازه داده اند يك وضع خیلی بشی که خلاف قانون و خلاف ترتیب است بنا بر واقع این یکجاده دارد سه ماده و آنچه راجع بوضع مالیات است که باید برود بکمیسیون قوانین مالیه و از آجا بمجلس بیاید وقتی که راپورت کمیسیون قوانین مالیه آمد بتوان در آن مذاکره کرد و رأی گرفت و کلیتاً بنده با این مواد مخالفم.

حاج شیخ اسدالله - بنده این قانون سه ماده است دو ماده اشراک لابد نمیتوان مذاکره کرد و رأی داد دو ماده اشراک بجهت اینکه میگویند که يك نظامنامه برای جنگلها بنویسد وزارت فوائد عامه ما که نمی دانیم آن نظامنامه چیست و معنی المعیا رأی بدهیم يك نظامنامه که نمیدانیم چیست این چطور تصور است دیگر اینکه یکجاده این راجع بمالیات است که وضع مالیات این باشد آنهم نه وظیفه وزارت فوائد عامه است نه راجع است بکمیسیون فوائد عامه باید وزارت مالیه پیشنهاد بکند و بکمیسیون قوانین مالیه برود از وظیفه وزارت فوائد عامه هم خارج است پس در این مواد ما نمیتوانیم مذاکره بکنیم بجهت اینکه در واقع این یکجاده دارد سه ماده و آنچه راجع بوضع مالیات است که باید برود بکمیسیون قوانین مالیه و از آجا بمجلس بیاید وقتی که راپورت کمیسیون قوانین مالیه آمد بتوان در آن مذاکره کرد و رأی گرفت و کلیتاً بنده با این مواد مخالفم.

شهبانی - آقایانیکه این مواد را رد میکنند بنظر بنده خیلی غریب می آید زیرا بنده تصور میکنم که هیچکس این را تصدیق نکند که ما اگر قبا نداشته باشیم باید سرداری هم نداشته باشیم و اگر سرداری نداریم باید قیام نداشته باشیم از ابتداء شروع باید کرد و بعد کم کم صورت تکمیل باو

باید داد ما میدانیم در زمان استبداد این جنگلها در چه حالی بوده و میدانیم که در آن دوره مشروطیت صغری و در این دوره قشینه که چند اعی بیشتر نموده است سه چهارم از این جنگلها بکسی نیست هیچ فکری بجنگلها نکرده ایم در صورتیکه آقایان در نظر دارند که در موقهیکه صحت جنگلها بود هر يك از این آقایان که این مواد را رد میکنند بیاناتی میفرمودند که چرا ما در خصوص جنگلها تا بجا اقدام نکرده ایم و اینکه میگویند این مواد صورت قانونی ندارد خیر صورت قانونی دارد و بسیار هم مواد و قانون خوبی است و باید بموجب این قانون عجالتاً جنگل های اربابی در تحت نظر وزارت فوائد عامه اداره بکند جنگل های خود را و يك مالباتی هم بپردازد و برای جنگل های دولتی هم يك ترتیبی در آیه بدهند با اطلاع شورای دولتی و منی همان ضروریکه آقای افتخار الواعظین بیان کردند که البته باید متجاوز از صد ماده بشود تا اینکه بتوان از آن نتیجه صحیحی گرفت چنانچه شاید شده در خارجه کتاب ها می نویسند از برای جنگلها یعنی از برای اداره کردن جنگلها ولی ما میخواهیم يك کلمه روی کاغذ بیاوریم و این سه ماده را که آورده اند روی کاغذ آقایان میخواهند بکنند پس معاون مشهور که میخواهد این دوره در باب جنگلها مذاکره شود و منتظرند که در دوره بعد کلاسی بعد بیاید اینجا يك قانونی برای جنگلها وضع کنند.

سیدالاطباء بنده تصور میکنم وقتیکه قانونی وضع میکنند شکلی بنویسند که تمام احضات در او شده باشد در این جا مضرب فرمودند که بنده وزارت فوائد عامه قانون جنگلها را بطور تفصیل خواهد نوشت و ناراضی فصول و موادی خواهد بود و این را عجالتاً اینجا نوشته اند برای اینکه شروع در عمل بشود بنده هم می بینم با این سه ماده ترتیبی داده نمیشود برای منکر ها جز آنکه يك عشری بچوایند از جنگل های اربابی بگیرند آنهم معزوم نیست که بجه ترتیب و چیز دیگری در این ماده دیده نمیشود و بنده تصور میکنم که این سه ماده هیچ فایده ندارد و بنده اطلاع دارم که از وزارت خارجه چیزی نوشته اند بوزارت فوائد عامه که يك ترتیبی از برای جنگلها بدهند و يك قانونی برای آنها بنویسند که امور جنگلها هم تحت يك ترتیبی باشد بجهت اینکه مالکین جنگلها جنگل های خودشان را باقیای خارجه اجازه داده اند يك وضع خیلی بشی که خلاف قانون و خلاف ترتیب است بنا بر واقع این یکجاده دارد سه ماده و آنچه راجع بوضع مالیات است که باید برود بکمیسیون قوانین مالیه و از آجا بمجلس بیاید وقتی که راپورت کمیسیون قوانین مالیه آمد بتوان در آن مذاکره کرد و رأی گرفت و کلیتاً بنده با این مواد مخالفم.

داشته باشد و این ترتیبی که داده اند نه از برای جنگل های اربابی نه از برای جنگل های دولتی از برای هیچکدام فایده گمان نمیکند داشته باشد باینجهت بنده مخالف هستم.

افتخار الواعظین - بنده حقیقتاً مقصود آقایان را کلاماً ملتفت نشدم میخواهم بدانم که میفرمایند قانونی برای جنگلها لازم نیست یا اینکه میفرمایند این قانون مکفی نیست چه میخواهند بفرمایند اگر میخواهند بفرمایند برای اداره کردن جنگلها و تنظیم جنگل های اربابی و دولتی وزارت فوائد عامه هیچ قانون لازم ندارد بنده گمان میکنم این را میفرمایند و همان قسم که آقای سیدالاطباء فرمودند شاید بنده هم میدانستم که حالت جنگلها چه قسم است و نیخواستم دیگر بیان اندازه توضیحات بدهم همین قدر عرض میکنم شما اگر این سه ماده را چند ماه دیگر بگذرانید شاید برای شما جنگلی باقی نماند و بنده مطمئنم و تعجب میکنم از اینکه چطور شده است که از طرف هیئت رئیسه اطلاع بمعاون وزارت فوائد عامه داده اند و آقای معاون حاضر نشده است اینجا تا توضیحات بدهد تا آقایان خاطرشان مسبوق شود و اینکه میفرمایند این قانون نیست چطور قانون نیست يك جنگل اربابی است يك جنگل دولتی است و يك مالباتی است که از منافع جنگل باید گرفته شود و يك محدودی است که برای جنگل های اربابی باید تعیین شود منتهی برای اینکه این قانون مفصل نباشد این قانون موکول بکند بنوشتن نظام نامه که در خود وزارت فوائد نوشته خواهد شد یکی هم راجع است بمالیات آنرا هم میگویند وقتیکه درخت را میخواهند بیاورند از شاخیکه از جنگل میخواهند ببرند يك عشر باید بدهند دولت و این سه ماده قانون این است بنده نمیفهمم خوب است آقایان توضیح بدهند که این چطور قانونی است.

معز الملک - وقتیکه در کلمات يك قانونی حرف میزنند همیشه گمان میکنم در این قانون را بگذرانند فوراً شرحی در لزوم ملاحظه جنگلها و ترتیبات و حفظ حدود آن در این قبیل کلمات که هیچکس منکر نیست بیان میکنند هیچکس منکر این نیست که جنگلها باید حفظ شود و هیچکس منکر این نیست که برای جنگل های دولتی و اربابی يك محدودی باید معین شود هیچکس منکر نیست که برای تعیین حدود جنگلها يك قانونی باید نوشته شود و لی وقتیکه اشکال میکنند و حرف میزنند در این قانون منکر این کلمات نیستند میگویند این سه ماده برای حفظ این کلمات کافی نیست و این قانون معین که نوشته شده است حفظ نمیکند مثلا اینجا میگویند که مالکین جنگلها حق دارند که جنگل های خودشان را ببرند البته بدون این که این قانون هم نوشته شود - دارند و میتوانند که جنگل های خودشان را ببرند يك چیز دیگر هم میگویند که باید نظامنامه وزارت فوائد عامه را اطلاع کنند این هم توضیح واضح است که مردم از نظامنامه هائیکه قائم مقام قوانین است باید اطلاع کنند و دیگر تکلیفی برای جنگلها معین نکرده اند در این ماده سه هم گفته اند وزارت فوائد عامه يك نظامنامه

بجهت تنظیم جنگلها خواهد نوشت و این هم معلوم است که جنگلها در تحت اداره وزارت فوائد عامه است و البته باید آنها اداره بکند و بدیهی است مستلزم اداره کردن تأسیس يك اداره و نوشتن نظامنامه است پس این ماده قانون نیست يك چیزی است واضح ماده دوم این يك ماده قانونی است هم راجع بوزارت فوائد عامه نیست و هم از وظیفه او هم از کمیسیون فوائد عامه خارج است بجهت این که شما میخواهید يك مالبات وضع کنید برای جنگلها و این مربوط بوزارت مالیه و کمیسیون قوانین مالیه است یا کمیسیون بودجه علوی حال باید برود بیک کمیسیون که مربوط بآنجا است این که جنگلها ما محفوظ بماند تمام اینها را ما خیلی مایل هستیم ولی این قانون کفایت آنرا نمیکند اگر خیلی میل دارد کمیسیون فوائد عامه که جنگلها اداره بشود معاون وزارت فوائد عامه را بنده میخواهم دیدار و وزیر را خواهند و يك قانون صحیحی که بجه ترتیب باید جنگلها بشود اداره و حفظ کرد و اگر کسی تخطی کرد چه مجازاتی خواهند داد اینها را باید مفصل و مشروح بنویسد و آنچه راجع است بساختن مالیات آن را بتوسط وزارت مالیه پیشنهاد مجلس کنند آنوقت مجلس هم البته مخالفتی نخواهد کرد و رأی خواهند داد و جنگلها هم حفظ خواهد شد بنده هم خواهد داشت آیا این هیچ فایده ندارد و با آن قانون که الان میخواهند از مجلس بگذرد هیچ چیزی حفظ نخواهد شد.

نایب رئیس - مذاکرات کافی است تقاضائی از باب کیسرو کرده اند خواننده میشود رأی گرفته میشود (مبارت ذیل خواننده شد) بنده تقاضا میکنم قانون جنگلها بکمیسیون فوائد عامه برگردد تا وزارت فوائد عامه نظریات ثانوی در مواد لازمه قانونی آن نموده و ترتیب مالیاتی آن را بتصویب وزارت مالیه رسانیده در ثانی بمجلس پیشنهاد کنند.

نایب رئیس - آقای ارباب توضیحی دارید بفرمائید.

ارباب کیخسرو - بنده گمان میکنم بعد از توضیحات آقای معز الملک دادند دیگر هیچ لازم بتوضیح نباشد این فقط يك قانون مالیاتی است که آمده است بمجلس و این را هم باید فراموش نکنیم که در ضمن آن ۱۲ ماده که برای خزانه دار کل معین شد یکی از تکالیف او نظریات در لواجیح قانونی مالیه بوده و بنده تصور میکنم که این ماده مخالف آن ماده بوده که گذشت است از این جهت بنده پیشنهاد کردم که این برگردد بکمیسیون فوائد عامه که هم وسعتی در مواد آن داده شود و هم ماده ثانوی راجع بمالیات را بتصویب وزارت مالیه برساند که وزارت مالیه نظر خزانه دار کل را هم در این خصوص تحصیل نماید.

نایب رئیس - رأی میکنیم باین تقاضای آقای ارباب آقایانیکه موافقت با این پیشنهاد بطوری که خواننده شده قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - با اکثریت تصویب شد عجالتاً یک ربع تفویض است (بعد از تفویض یک ساعت و ربع قبل قبل از ظهر مجلس افتتاح پس از يك ربع رسماً تشکیل شد).

نایب رئیس - پیشنهادی است از طرف عده از نمایندگان در باب بودجه دربار خواننده میشود (بمبارت ذیل خواننده شد) چون بودجه دربار در زمان نایب السلطنه مرحوم عضد الملک بانظریات ایشان پیشنهاد بمجلس شده و پس از ورود والا حضرت تغییراتی در دربار پیدا گشته و بودجه مذکور را بدون نظریات والا حضرت پیشنهاد مجلس نموده بودند و نمایندگان نیز بتصور این که موافق ترتیبات لازمه بارعایت نکات قانونی مطرح گشته برای خود اظهار نموده اند ما امضاء کنندگان ذیل تقاضا میکنیم بودجه مذکور توقیف شده و وزیر مالیه بودجه جدید را با ملاحظیات والا حضرت در ضمن بودجه کل پیشنهاد مجلس نمایند میرزا یانس ۱۹ نفر دیگر از نمایندگان.

میرزا یانس - بنده گمان نمیکند که این پیشنهاد محتاج بتوضیحات ثانولانی باشد بواسطه اینکه خود این پیشنهاد توضیحات خودش را در میان خودش دارد و تمام نمایندگان خیلی خوب مسبوق هستند که يك بودجه از باب دربار پیشنهاد مجلس شد و نمایندگان با کمال صمیمیت بگمان اینکه این بودجه از ترتیب صحیح خودش وارد شده است رأی خودشان را بدون مذاکره در آن اظهار نمودند و با اکثریت قریب باتفاق آن را تصویب کردند بعد از آنکه معلوم شد آن بودجه از راه صحیح خودش نیامده بود و نظریات والا حضرت در آن بودجه معلوم نشده بود از ظرفهای جلسه سابق خیلی خوب معلوم شد که اغلی اظهار تأسف کردند که چرا بایستی اینطور شده باشد این است که حالا همان و کلاز برای اینکه این بی قانونی رده شده باشد پیشنهاد کرده اند که آن بودجه سابق توقیف بشود و بودجه جدیدی با نظریات والا حضرت تقدیم مجلس بشود و بنده گمان نمیکند که در این باب مخالفتی در مجلس باشد.

نایب رئیس - همینطوری که فرمودند گویا مخالفی در این باب نباشد بجهت اینکه هیئت مؤتلفه هم که اکثریت مجلس را دارا هستند تماماً در این باب اتفاق دارند حالا آقای سلیمان میرزا هم در این باب فرمایشی دارند بفرمائید.

سلیمان میرزا - معلوم است وقتیکه ترتیب مملکت تغییر کرد اساس استبداد برچیده میشود و ترتیبات مشروطیت قائم مقام آن خواهد شد و تمام ترتیبات جزء بجزء در تحت ترتیب در فرم خواهد آمد از آنجمله هم ترتیبات درباری است که کلیه ارضاع آن مخالفت پیدا خواهد کرد با وضع استبدادی که سابق داشته است در دربار هم ترتیبات مشروطیت را اتخاذ خواهد کرد و از جمله چیزهایی که در دربار ملحوظ است این است که بودجه دربار با نظریات سلطان یا نایب السلطنه مرتب بشود و بمجلس بیاید و چون این بودجه در زمان مرحوم عضد الملک پیشنهاد شده بود و نظرات ایشان را داشت و بعد از ورود والا حضرت تغییراتی هم در دربار داده شده بود لکن بواسطه سوء تفاهاتی که همانطوریکه فرمودند هم در هیئت رئیسه مجلس هم در هیئت وزراء و بالاختصاص در وزارت مالیه واقع شده بود و يك کابینه هم تغییر کرد با این ترتیبات این شده که از یکطرف بودجه در پارسی گرفته شده بود و از طرف دیگر در مجلس

مطرح شور شد و عدم نمایندگان بدون نظر فرقه و حزبی چون در موضوع شخص والا حضرت که مافوق احزاب هستند بود و چیزی هم که نظریات ایشان درش باشد میتوان گفت که در حقیقت آنهم مافوق احزاب و نظریات احزاب است بنا بر این باید اکثریت قریب باتفاتی همان طور که فرمودند از همان نظر که نظر والا حضرت در آن بوده است و ترتیباتی که در مملکت مشروطه مرسوم است و از طرف والا حضرت میبایستی اصلاحات در آن شود در آن بعمل آمده است رأی دادند و آن بود که تصویب کردند متأسفانه بعد معام شد که بواسطه غفلت این مطلب مجری نشده و نظریات والا حضرت در آن منظور نگشته است بنا بر این این پیشنهاد از طرف خود برگزیده یعنی از طرف هردو حزب و سایر اشخاص بیطرف که در حقیقت میتوان گفت از طرف اتفاق و کلاه است تقدیم شده است و تقاضا کرده اند که آن بودجه تویف شود و لایحه دیگری از برای بودجه دربار با نظرات والا حضرت که هر قسم اصلاحاتی که لازم است در آن بنمایش در ضمن بودجه کل مجلس تقدیم شود تا اینکه عموماً در آن رأی بدهیم.

نایب رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند (تماماً قیام نمودند)

نایب رئیس - بالاتفاق تصویب شد - ماده (۱۰) قانون تعرفه تلگرافی است خوانده می شود (بمبارت ذیل قرائت شد) -

ماده (۱۰) - هر گاه سواد تلگراف از یکصد کلمه تجاوز کرد بهر یکصد کلمه پانصد دینار دریافت خواهد شد.

نایب رئیس - یک پیشنهادی هم آقای شبانی کرده اند خوانده میشود (بمبارت ذیل قرائت شد).

این بنده پیشنهاد میکنم این ماده الحاقیه به تعرفه تلگراف اضافه شود برای اخذ سواد از صد کلمه اول نیز پنجاه کلمه پنجاهمی دریافت میشود.

افتخار الراءضی - حقیقت امر را خوب است آقایان ملاحظه بفرمایند آنوقت اگر دیدند از برای هر صد کلمه سواد پانصد دینار زیاد است پنجاهمی بنویسند آقای شبانی خودشان در واقع اینجا یک ملاحظه فرمودند که شاید به پنجاه کلمه نرسید بگویند که این کسر صد کلمه است و شما باید پانصد دینار را بدهید ولی بنده عرض میکنم همین طوری که ملاحظه سواد گیرنده را میفرمایید خوب است ملاحظه عایدات و مستخدمین دولت را هم بفرمایید و بنده گمان میکنم که کمیسیون کمتر از پانصد دینار را نمیتواند قبول بکند.

نایب رئیس - آقای شبانی توضیحی اگر دارید بفرمایید.

شبانی - بنده عرضی را که قبل از این کردم توضیح واضح بوده و اینرا هم که حالا میخواهم عرض کنم توضیح واضح است عرض میکنم سواد رادهشاهی دادن و صد کلمه را هم دهشاهی دادن این خیلی دور از انصاف است و بعضی از آقایان هم فرمودند که از بیست کلمه اول صد دینار و از مابقی هر صد کلمه

پانصد دینار بگیرند و اینرا اگر بخواهیم یک قیمت فوق العاده بر آن بگذاریم اسباب این خواهد شد که تمام مردم از همة آن برنایند و فوق العاده اسباب زحمت میشود این است که بنده پیشنهاد کرده ام که هر پنجاه کلمه پنجاهمی شود و چون سابق هم عرض کردم که گرفتن سواد راجع بضعای مملکت و رعایا است بخصوص کسانی که شاکی باشند و صد نفر بخواهند از یک تلگرافخانه سواد بگیرند از این جهت گمان میکنم که پیش از این را هم صحیح نباشد که تصویب شود حالا دیگر بسته برای نمایندگان است بقرینه بنده که این مبلغ کافی است.

نایب رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقای شبانی هر یک از آقایان که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند.)

نایب رئیس - قابل توجه نشد - حالا رأی قطعی میگیریم باصل ماده (۱۰) هر یک از آقایان که تصویب میکنند ورقه سفید پانصد دینار بدهند و هر یک که تصویب نمیکنند ورقه کبود (اوراق قرمز) اخذ شده آقای آقا میرزا رضاخان از قرار ذیل شماره نمود:

ورقه سفید (۵۳) ورقه آبی - ۳

نایب رئیس - با اکثریت ۵۳ رأی تصویب شد حالا رأی میگیریم در تمام این قانون که ۱۰ ماده است در کلیات مخالفی هست (اظاری نشد)

نایب رئیس - پس رأی میگیریم هر یک از آقایان این قانون را که مشتمل بر (۱۰) ماده است تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد نیز اوراق رأی گرفته شده آقای آقا میرزا رضاخان از قرار ذیل شماره نمود ورقه سفید ۵۴ و ورقه آبی ۲

نایب رئیس - قانون تعرفه تلگرافی مشتمل بر (۱۰) ماده (۱۰) ماده با اکثریت ۵۴ رأی تصویب شد طرح قانونی آقای عز الملک راجع باستخدام نمایندگان خوانده میشود بمبارت ذیل قرائت شد)

ماده واحده هیچیک از نمایندگان نمیتوانند در ادارات دولتی مستخدم شوند و هر گاه نماینده ازشغل نمایند استعفا نماید تا انقضای دوره و کالت کعبارت از یک دوره تقنینیه است نمی تواند قبول شغل دولتی را نماید.

(راپورت کمیسیون متبرکات راجع بماده فوق نیز از قرار ذیل قرائت شد

کمیسیون متبرکات روز ۵ شنبه ۱۷ رمضان ۱۳۲۸ سه ساعت و دققیقه بغروب مانده در تحت ریاست شاهزاده دکتتر حیدر میرزا باحضور شاهزاده اسان العکماء - آقا شیخ رضا - آقا سید حسین اردبیلی تشکیل یافت آقای ناصر الاسلام - آقا سید محمد رضا غائب بودند در خصوص طرح آقای عز الملک راجع باینکه هیچیک از نمایندگان نمیتوانند در ادارات دولتی مستخدم بشوند و هر گاه نماینده از شغل نمایندگی استعفا نماید تا انقضای دوره و کالت نمیتواند قبول شغل دولتی نمایند بنماید مذاکرات لازمه بعمل آمده کمیسیون این طرح را نظر باینکه قسمت اولش با مدلول اصل ۳۶ قانون اساسی متناقض است و قسمت آخرش منافی با اصول آزادی طبیعی است قابل توجه ندانست

نایب رئیس - این طرح راجع شده است

بکمیسیون متبرکات و کمیسیون متبرکات آن را قابل توجه ندانست است حالا باید اولاً از مجلس رأی بگیریم که این طرح را قابل توجه میدانند یا اینکه قابل توجه نمیدانند در صورتیکه قابل توجه دانست آنوقت داخل مذاکره آن خواهیم شد

حاج شیخعلی - بنده اخطار نظامنامه دارم

نایب رئیس - بفرمایید

حاج شیخعلی - یک ماده در نظامنامه داخلی است که راپورتی از کمیسیون متبرکات مجلس پیشنهاد میشود مجلس بطور کلی در اساس آن مذاکره میکند بعد رأی گرفته میشود

نایب رئیس - پس در آن مذاکره میکنید

نایب رئیس - پس در آن مذاکره میکنیم

عز الملک - بنده برای این طرح یک مقدمه هم نوشته ام خوب است بفرمایید آن مقدمه را بخوانند تا اینکه بنده عرض خودم را عرض بکنم.

نایب رئیس - بسیار خوب خوانده میشود (بمبارت ذیل قرائت شد)

چون گاهی بعضی پیش آمده برخی از نمایندگان را با استعفا از نمایندگی و قبول شغل دولتی و امیندار و نیز چون در قانون اساسی مستخدم بودن نمایندگان بطریق غیرموظف در ادارات دولتی ممنوع نیست معدودی از نمایندگان که میخواهند در هر طریق بمملکت خدمت نمایند بدون وظیفه در اداره اجرا مستخدم میشوند و این بنده هردو صورت را برخلاف اقتضای وقت و خالی از صلاح دولت و ملت میدانم و ذکر دلایل را بواسطه تجربیاتی که در این مدت نمایندگان حاصل فرموده اند لازم میدانم ماده ذیل را بعنوان ماده الحاقیه (نظامنامه داخلی) به مجلس مقدس پیشنهاد بکنم و امیدوار هستم که قابل توجه نمایندگان محترم شود.

نایب رئیس - حالا مذاکره میشود در راپورت کمیسیون آقایانیکه مخالفند باید اول اظهارات خودشان را بکنند بعد موافقین.

عز الملک - بنده خیلی تعجب میکنم از این که کمیسیون متبرکات پیشنهاد بنده را جر و تعدیل کرده است بنده هیچ نوشته بودم ماده الحاقیه بنظام نامه داخلی دلش هم واضح است بجهة این که قسمت اول این طرح را میشود تحت حکم نظام نامه داخلی قرارداد ولی قسمت دومش بدیهی است که راجع بنظامنامه داخلی نیست و نمیشود الحاق به آن کرد بواسطه اینکه مسلم است که نماینده وقتی که استعفا کرد و از نمایندگی خارج شد البته دیگر در تحت حکم نظامنامه داخلی نخواهد بود و این اصلاح را خود کمیسیون کرده است و در صورتیکه ماده را رد کرده است نمایانم بجهت ملاحظه این اصلاح را کرده است اما دلالی که برای رد و اینطرح ذکر کرده اند یکی این است که قسمت اولش با مدلول اصول (۳۲) قانون اساسی متناقض است باینکه ابداً متناقض نیست اصل (۳۲) این است که قرائت میشود

چنانچه یکی از و کلا در ادارات دولتی موظفاً مستخدم میشود از عضویت مجلس منفصل میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف با استعفاء از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود

مسلم است هینطوریکه اثبات شیشی نفی ماعدا را نمیکند نفی شیشی هم اثبات ماعدا را نمیکند یعنی تصریح نشده است که غیر موظف باید مستخدم شود بالأخره این مطلب دارای دو قسمت است یکی اینکه موظفاً مستخدم بشود و یکی اینکه غیر موظفاً مستخدم بشود قسم اولش که موظفاً مستخدم بشود این اصل (۳۲) قانون اساسی ممنوع داشته است و قسم دومش را غیر موظف مستخدم بشود اگر این ماده از مجلس بگذرد متنوع میدارد و این جهت بنده هیچ تصور نمیکنم که این قسمت اول با اصل (۳۲) قانون اساسی متناقض باشد و اما اینکه نوشته اند قسمت اخیرش منافی با اصول آزادی طبیعی است بنده تصور نمیکنم که از این کلمات قشنگ همیشه نتیجه قشنگ گرفته شود و عرض میکنم که این هیچ منافی با اصول آزادی طبیعی نیست بواسطه اینکه مسلم است کسی را که وکیل میکنند اگر خیال دارد که داخل در ادارات دولتی بشود بعبارت اخیری وزیر یا معاون وزیر یا رئیس فلان اداره بشود چون یک چنین ماده را دیده است که پس از قبول نمایندگی نمیتواند استعفا بدهد و داخل در شغل دولتی بشود اصلاً نمیتواند که وکالت را قبول نکند و اگر خیالش فقط نمایندگی بوده و خواست نمایندگی را نردبان وزارت یا معاونت وزارت قرار بدهد و فصلش خالصاً مخلصاً این بود که این دو سال را کاملاً بواسطه خودش رفتار نماید و بمملکت خدمت بکند قبول میکند پس بنده هیچ تصور نمیکنم که این منافی به آزادی طبیعی باشد بجهت اینکه در اول آزاد است میتواند وکالت را قبول بکند و میتواند قبول نکند

آقا سید حسین اردبیلی - مخبر کمیسیون متبرکات اما اینکه میفرمایند کمیسیون اینرا جزء نظامنامه داخلی تصور کرده است این اهمیتی ندارد برای اینکه کمیسیون تصور کرده است که این یک ماده واحد قانونی است که باید مربوط بیکدیگر از قوانین موضوعه باشد یعنی باینکه از آنها مناسبتی داشته باشد و تصور کرده است که چون برای اعضاء مجلس بکنوع حدی و تکلیفی معین میکنند پس مناسب تر اینست که بنظامنامه داخلی منقح شود ولی حالا هم ممکن است که اینرا مستقلاً با ماده قانونی قرار بدهند و هم ممکن است که ضمیمه یکی از قوانین موضوعه یا نظامنامه ما بنمایند این چندان اهمیتی ندارد اساساً جهت رد کردن این ماده قانونی آقای عز الملک همان دلیلی است که بطور اختصار در راپورت نوشته شده است و اینکه میفرمایند با قانون اساسی متناقضی ندارد بله باید آن اصل قانون اساسی را درست دقت کرد زیرا روح آنرا ملاحظه کرده میفرمایند اصل (۳۲) قانون اساسی تصریح ندارد باینکه نماینده بعد از اینکه از نمایندگی استعفا داد یا منفصل شد نمیتواند در یکی از ادارات دولتی مستخدم بشود چه چیز صریح تر از این میشود که نوشته است او را با مدلول اصول (۳۲) قانون اساسی متناقض است بنده عرض میکنم که ابداً متناقض نیست اصل (۳۲) این است که قرائت میشود

چنانچه یکی از و کلا در ادارات دولتی موظفاً مستخدم میشود از عضویت مجلس منفصل میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف با استعفاء از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود

این منافی باصل آزادی طبیعی است اینهم خیلی واضح است بجهت اینکه هر یک از افراد ایرانی حق دارد انتخاب بشود و حق دارد که انتخاب بکند و حق دارد که در هر یک از ادارات دولتی خدمت بکند اینها از حقوق ایرانی و حقوق طبیعی هر ایرانی است حالا ما بیائیم بکنفر ایرانی را بچشم اینکته نماینده ملت بوده و حالا استعفا داده بکلی از این حق طبیعی محروم کنیم این خیلی بی انصافی است بجهت این که کمیسیون که مادام که داریم و میگویند یکی از نمایندگان که شایستگی ریاست فلان اداره یا وزارت یا معاونت یک وزارتخانه را دارد یک وقتی ضرورت ما را مجبور بکنند که ما او را باین مقام تعیین بکنیم یا اینکه هیئت وزراء خود او را در کابینه لازم دانستند و او نیز استعفا داد و از صندلی وکالت منفصل شد و رفت مباشرتیکه از خدمات دولتی شد بعد اتفاق افتاده که بواسطه یک حادثه و اتفاقی از آنجا هم استعفا داد و از آن شغل منفصل شد و ضمناً موکلبن خواستند وکیل انتخاب بکنند آنوقت یک کسی که ظرف حسن ظن ملت بوده است چه تقصیری کرده است که بازماند تا به او را انتخاب بکنیم و یک وجودی که علاوه بر ریاست وکالت شایستگی وزارت یا معاونت وزارت را دارد چه دلیل دارد که نتوانم او را داخل در مشاغل دولتی بکنیم همه اینها یک چیزهایی است که بنظر بنده خیلی واضح است حالا ایشان یک چیزی را در نظر گرفته اند و آن اینست که چون بعضی اشخاص تا بحال از این حقوق طبیعی بشری که سوء استفاده کرده اند باین ملاحظه خواسته اند یک همچو ماده را وضع بکنند و عموماً داشته باشد و به اینکه از اینها سلب بشود و حال اینکه غالباً هینطور نخواهد بود که نمایندگان مقام وکالت را آنطوریکه ایشان فرمودند وسیله قرار داده باشند برای رسیدن بمقام وزارت این چه نظری است که ما داشته باشیم فرضاً هم اگر یک وقتی ملت یا وزراء یا مجلس صلاح دیدند که یک نماینده را منصفی شغل دولتی نشود چه ضرری دارد البته میتوانند که جلوگیری کنند ولی این چه لزومی دارد که یک قانونی امروز برای آن وضع بکنیم این نظریات کمیسیون بوده که عرض شد حالا آقای عز الملک اگر نظریاتی داشته باشند که محکم تر از این باشد ممکن است بفرمایند که مجلس و کمیسیون را متقاعد نمایند.

حاج شیخ اسدالله - دو مطلب در اینجا هست یکی اینکه آیا این طرح مخالف با اصول آزادی یا قانون اساسی هست یا نیست این مطلب مخالفت اگر معلوم شد دیگر داخل در مرحله دوم که اصلاح است که امروز ما این طرح را بگذاریم یا صلاح نیست نمیتوان شد بعد از اینکه معلوم شد مخالفتی با قانون اساسی و اصول آزادی ندارد آنوقت میشود داخل در مرحله دوم که اصلاح است که امروز این طرح را بگذاریم یا خیر بنده بقرینه خودم عرض میکنم که بعضی معایبی برای این طرح متصور است و بعضی محسنات و این معایب و محسنات را باید در کفه ترازوی بگذاریم و ببینیم کدام یک از آنها سنگینی میکند بنظر بنده نه این است که عرض میکنم معایبی ندارد البته همان طور که عرض کردم معایب دارد ولی بنظر بنده محسناتش غلبه دارد و چیزی که در نظر داریم این است آنوقت اشخاصی هستند که در مجلس از نمایندگان آنها میتوانیم استفاده بکنیم و همچنین

قبول میکنی دیگر دردوره وکالت خودشان حق دخول در مشاغل دولتی را ندارند او هم با کمال آزادی میخواهد قبول میکند نمی خواهد قبول نمیکند و این بپیچ وجه منافی با اصول آزادی نیست و اما اینرا که میفرمایند این مخالف است با قانون اساسی بنده اصل (۳۲) را میخوانم تا اینکه ببینیم چه مخالفتی دارد - اصل (۳۲) - چنانچه یکی از وکلا در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف با استعفا از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود - فرض مخالفتی را که باین اصل میفرمایند بنده نمی توانم عرض بکنم که این ماده قانون اساسی ساکت است از این مطلب و ابداً نظری با این مطلب ندارد برای اینکه این اصل از قانون اساسی میگوید که بر فرض آنکه حق داشته باشند یک نفر وکیل چیزی مانع از او نشود که قبول شغل دولتی کند و وقتی که قبول شغل دولتی را کرد آنوقت منفصل خواهد بود ولی بعد از آنی که یک طرحی پیشنهاد شد و از مجلس گذشت که هیچ نماینده حق دخالت در مشاغل دولتی و استخدام در ادارات متقی را ندارد آنوقت بکلی موضوع این فرض تنصی و برداشته میشود نه اینکه معارضه داشته باشند تا اینکه بگوئیم مخالف است با قانون اساسی مصدقین مجلس میدانند که عنوان عنوان دارد و مورد داشت عنوان معارضه نیست باین معنی که هر آینه اگر این روح از مجلس گذشت آنوقت موضوع این فرض که در این اصل شده است متقی میشود موافق قانون اصولی این است در عرض هم اگر باشند معارضه میکنند ولی و در عرض هم نیستند و این طرحی که اینجا پیشنهاد شده است عنوان ورود دارد و اصل موضوع فرضاً ار این میرسد مخالفتی ندارد با قانون اساسی بکنند تأمل بفرمایید و به اینکه نظر بنده به چه چیز است بنده عرض میکنم بعد از آنی که ما این طرح را در اینجا تصدیق کردیم که هیچ نماینده حق ندارد بعد از آنی که وکیل شد در دوره وکالتش که دو سال باشد داخل در شغل دولتی بشود آنوقت دیگر باین فرض که در اصل (۳۲) شده است که اگر استعفا کرد و داخل در خدمت دولت شد از خدمت دولت هم استعفا داد باز باید از طرف ملت با انتخاب جدیدی منتخب بشود از بین میروند و اینرا تکرار میکنم از برای توسعه و روشنی آذهنان تا اینکه بدانند این پیشنهاد و این اصل با هم معارضه ندارد تا اینکه بگوئیم با هم مخالف است و بعد از آنی که این مطلب گذشت و معلوم شد که این پیشنهاد با قانون اساسی مخالفتی ندارد آنوقت داخل میشویم در مرحله دوم که آیا صلاح هست که امروز این طرح را بگذاریم یا خیر بنده بقرینه خودم عرض میکنم که بعضی معایبی برای این طرح متصور است و بعضی محسنات و این معایب و محسنات را باید در کفه ترازوی بگذاریم و ببینیم کدام یک از آنها سنگینی میکند بنظر بنده نه این است که عرض میکنم معایبی ندارد البته همان طور که عرض کردم معایب دارد ولی بنظر بنده محسناتش غلبه دارد و چیزی که در نظر داریم این است آنوقت اشخاصی هستند که در مجلس از نمایندگان آنها میتوانیم استفاده بکنیم و همچنین

درموقع ضرورت و حاجت برای وزارت و بعد از آنی که این طرح گذشت در موقع احتیاج نمیتوانیم از وجود آنها استفاده بکنیم چرا که اشخاص کافی قابل عالم خیلی کم داریم اما بعضی معایب مفاستدی بر این ترتیب مترتب میشود که آنها را باید در نظر بگیریم و میبینیم که آن معایب غلبه دارد نه اینکه بنده میخواهم عرض کنم که نمایندگان که داخل مجلس می شوند مقصودشان این است که وکالت را طریق وصول بوزارت یا معاونت وزارت یا ریاست سایر ادارات یا ریاست قشون و سایر شغل های دولتی قرار بدهند ایام ممکن است (چون نمیشود جلوی فرض را گرفت) ممکن است که یک نفر در دوره ثانی برای همین خیال که بوزارت برسد معاونت وزارت برسد بجز حکومت برسد این وکالت را طریق وصول بقصود خودش قرار بدهد بعد از آنی که این فرض را کردیم آنوقت ببینید اشخاصی که می آیند و باین خیال در مجلس می نشینند چه اسبابی در مجلس فراهم خواهند کرد و داخل چه آتاریک بازی ها و چه دسته بندی ها خواهند شد و آنوقت مجلس چه حالی پیدا خواهد کرد و مجلس بواسطه خیالات همان اشخاص دچار چه تزلزلات و چه بحرانیها میشود و باید دهنده در مجلس باشند و مشغول زدو خورد باین دیگر باشند هم چنین در موقع وضع قوانین و رأی دادن بنده عرض میکنم اگر این معایب را بکنیم با آن مصالح کدره مطلب اول عرض کردم و اینها را مقابل هم بگذاریم میبینیم که آن اشخاصی که قابل وزارت هستند بعد از آنی که وکیل شدند همانطور که در مقام وزارت ما از آنها میتوانیم استفاده بکنیم البته در مقام وکالت هم همان استفاده را ممکن است از آنها بکنیم و همان خدمتی را که در وزارت می نند در مجلس و در وکالت هم میتوانند همان خدمت را بامت بکنند بلکه در این صورت در وکالت بهتر می توانند خدمت بکنند برای اینکه بعد از آنی که این قانون گذشت و بکلی مایوس شدند از وزارت و خدمات دولتی و دیگر امید رسیدن بوزارت در آن دوره را نداشتند با کمال جدیت می آیند در مجلس می نشینند و کار میکنند و بهتر از وجود آنها استفاده میشود تا وقتیکه بامید وزارت باشد بامید وزارت در مجلس بنشینند بامید وزارت بخواهد بامید وزارت قبول وکالت بکند بلکه در هیچ صورتی ابداً آمش را صرف وکالت نمیکند و آن شغلیکه وظیفه او است ابداً انجام نمیدهد بعد از آنیکه این دو مطلب را با هم سنجیدیم عقیده بنده این است که امروز رأی بدیم که اشخاصیکه داخل مجلس میشوند و نماینده نی ملت را قبول میکنند ام از اینکه استعفاء بدهند یا استعفاء ندهند ابداً حق دخول در شغل دولتی را ندارند تا اینکه بخوبی بتوانیم هم از وزرائی که وزیر میشوند استفاده بکنیم و هم از اشخاصیکه وکیل میشوند.

فایده رژیم
عرض میکنم این که آقای حاج شیخ اسدالله درین اظهارات خودشان فرمودند (در دوره ثانی) خوب است منفعت باشد که نمایندگان حاضر و آتی ما هم فرقی ندارند نباید چیزی گفته بشود که بر بخورد .

اختصار در جواب عرض میکنم که آن ماده قانون اساسی را که خواننده و خواستند با استدلال اصولی این مناقات را بردارند خوب است يك اندك تعمق بفرمایند که مفهوم عرفی این ماده چیست این جا میگوید نماینده مجلس وقتی مستخدم شغل دولتی شد از نمایندگی منفصل میشود یعنی نماینده میتواند مستخدم دولتی بشود نهایت اینست که وقتیکه مستخدم دولتی شد از نمایندگی مجلس مستعفی خواهد بود این مفهوم صریح عرفی را چرا ما دور بیندازیم و خودمان را بجم و بیج اصولی دچار بکنیم پس این که میفرمایند منافات ندارد بنده عرض میکنم که منافات خیلی صریح است و این که میفرمایند که ممکن است که اشخاص وکیل شوند بامید وزارت و وقتیکه قبول وکالت را میکنند آن وزارت و شغل موهومی را در نظر بگیرند و وقتیکه مجلس آمدند اسباب چینی میکنند این را بنده خیلی خارج از انصاف میدانم برای این که همان اشخاصی را که فرض می فرمائید شاید بپایین خیال بکنیم بیایند و اسباب چینی برای خودشان بکنند و وقتیکه این قانون وضع شد و در موضوع خودشان مشغول شدند اسباب چینی میکنند از برای این که رفقای خودشان را بوزارت و مشاغل دولتی برسانند پس بواسطه این همچو فرض گمان نمیکند که صحیح باشد يك همچو حق را از نمایندگان محترم سلب بکنیم.

لیا اعدا دولت - عرض کنم اگر چه بدبختانه این طرح بایستی يك سال قبل گذشته باشد و هیچ گمان نمیکردم که این اندازه طول بکشد و حالا که چهار ماه بیشتر بانقضاء دوره تقنینیه باقی نمانده است بمجلس بیاید مقصود از این طرح این است که آن اشخاصی که ما را برای نمایندگی انتخاب میکنند قضاوت و فرضشان این نیست که ما حاکم . وزیر . معاون بشویم کسی قبول نمایندگی ملت خودش را کرد قسم خورد و ماهده کرد و وارد این مجلس شد حق ندارد داخل در ادارات دولتی بشود و اگر قبول خدمات دولتی را کرد عقیده بنده این است که خلاف قسمی که خوده است کرده است بجهت این که او قسم خورده است که بوظایف وکالت عمل بکند عرض نمیکند اگر رفت بوزارت خانه خیانت میکند شاید خدمت بکند ولی آن بیچاره ها که او را انتخاب کرده است برای وکالت انتخاب کرده است نه از برای وزارت و اگر وکیل بعد از قبول نمایندگی بخواهد تغییر شغل بدهد خلاف امانت کرده است حالا اگر بخواهد بفرماید که از تراکت مجلس خارج است عقیده بنده این است که آن روزی که موکلین ما ها را انتخاب کردند نگفتند که باید با تراکت رفتار بکنند همین تراکت است که تا بجا ما را باین روز انداخته است و حال این که لباس بنده يك لباس است که نباید رأی بدیم با این پیشنهاد موافقت بکنم برای این که لباس بنده عصامه وردا نیست که رأی بدیم و آن وقت بگویند که نماینده ما فلان ملاحظه است که رأی داده است لباس بنده يك لباسی است که با شغل دولتی مناسبت دارد با وجود این عقیده بنده این است که وکیل که از طرف ملت بنمایندگی انتخاب میشود استعفاء از وکالت را باید زمانی بدهد که داخل وکالت نشده

است و نمایندگی را قبول نکرده است و الا وقتی که قبول وکالت ملت را کرد در قسم خورد که من بوظایف وکالت عمل خواهم کرد بایستی که مشغول بوظایف وکالت خودش باشد استعفاء از وکالت نمیتواند از عهده انجام وظیفه وکالت خودش بر بیاید عیب ندارد در این صورت اینکه استعفاء بدهد و برود در خانه بنشیند ولی وزیر بشود وزیر بشود غلط است یعنی عقیده بنده اینست و این طرح لازم است که امروز تصویب شود و از مجلس بگذرد تا این که جو گیری از این خیالات بکند.

لسان الحكماء از نقطه نظر عمومی این ماده مخالف باینکی از اصول مسلمه مشترکه و حقیقتاً مخالف با حریت و آزادی است (تور کو) که وزیر مابله دوک فرانسه در تاریخ (۱۷۷۱) مسیحی مانند این ماده حکمی صادر کرد که مانع آزادی کار و شغل و صنعت بوده امروز ضرب المثل تاریخ و علم حقوق شده چنانچه با کمال تأسف بنده هم همین مناسبت اسم ایشان را ذکر کردم لکن ضولی نکشید که این وزیر معزول شد و بلافاصله آن آزادی و حریت مدوح عقلانی برقرار شد یکی از مواد اساسی علم حقوق و اصول مسلمه مشترکه دنیا آزادی شغل آزادی تجارت آزادی کار آزادی صنعت است و این ماده بفسری مخالف باین آزادی طبیعی است که بنده مناکراتش را هم مخالف با تراکت مجلس و خلاف مشروطه میدانم.

اشیای المنجر - اولاً عرض میکنم آن ماده قانون اساسی هیچوقت این حق را سلب نمیکند از يك نماینده با از يك مجلس شورای ملی بجهت این که با آن بیاناتی که چند نفر از نمایندگان ذکر کرده هیچ تصریح ندارد که این حق برای بعضی ثابت باشد که از مجلس خارج میشوند برای شغل دولتی تا یا مصلحتیکه در مجلس شورای ملی هر منسکتی صحبت میشود بنا بمقتضیات و مصالح آن منسکت است هیچوقت سلب آزادی از کسی نمیشود بکنیم بنده هم چون عقیده ام با آقای لواء الدوله و مطالب را بزرگان همیشه با توصیه کرده اند که بی پرده باید گفت مخصوصاً والا حضرت آقای نایب السطنه بامکرر توصیه کردند که مصلحت این برده بگوئیم و جای برده پوشی هم نیست در این منسکت بجهت اینکه تجربه بیست ماهه وکالت بنا حالی کرد که بکفایت بزرگ از این اختلالاتی که در این منسکت حاصل شده است از این مسئله است یعنی عیوبات از اینجا از بعضی منسکتهای اینجا نشر بکفایت کرده است بنده همچو فهمیده ام از آن روزی که مجلس شورای ملی برپا شده است تا این زمان فقط يك يك عنوان که کسی از اینجا مستعفی باشد حق ندارد در بعضی از وزارت خانه ها مستخدم بشود دچار بعضی محظورات شده ام که نتایج وخیمه حاصل شده ام و در این نمایندگان بایک وجدانی همراهی بکنند باین طرح آقای عزالدین که ما این دوره را بآخر برسانیم آنوقت مجلس آتی و وکلای آتی می آیند شاید صلاح را در این بدانند که این آزادی را بدهند که وکیل حق داشته باشد بعد از استعفاء کردن برود وزارت یا معاونت یا حکومت

کند يك جلو گیری بزرگی برای اینکار بنده میدانم اینکه گذشتن این طرح قانونی اینچنانکه کرده شد اگر يك قسمت خیلی کوچکی سوء استفاده کردند از اینکار چندان عیبی ندارد بنده عرض میکنم که يك قسمت بزرگی این سوء استفاده را باعث شدند و تمام اختلالات از اینجا شده است چه مؤلف چه غیر مؤلف وکیل را بهمان بیاناتی که ذکر شد از آن ولایتی که منتسب کرده اند برای حفظ حقوق مردم در این پارلمان در این تریبون در این میز نطق مبعوث کرده اند باین خیال از آنجا حرکت کرد باین خیال مردم او را انتخاب کرده اند که فقط حقوق آنها را در پارلمان حفظ کند و نظرات مترا بنده مقدس میدانم یعنی باین عنوان که این نماینده را مین و حافظ حقوق ماست برای پارلمان انتخاب کرده اند پس اگر چنانچه این حق را بدیم بنمایند و برای نماینده ثابت بکنیم که تا آخر مدت نمایندگیش در روی صندلی وکالت نشیند در حقیقت ظلمی بامت بیچاره کردیم چرا که ملت نظرش بوکالت این شخص بوده نه چیز دیگری در يك شهری که صد هزار دوست هزار پنجاه هزار جمعیت بوده است یک نفری را ملت انتخاب کرده اند برای اینکه در پارلمان برود حفظ حقوق آنها را بکند دوسه ماهه آمد بعد برود حکومت فلانجا را بسگیرد رئیس فلان جا بشود این بکلی بانظر منت منافی است و اینهم بکسی بر نمیخورد خلاف اشخاص عوام را اگر ما تصور بکنیم خلاف تراکت نیست پس عرض میکنم بکفایت کمی سوء استفاده نکرده اند و يك قسمت بزرگی سوء استفاده کرده اند و تجربه برای ما حاصل شده است و دیگر اینکه فوایدی برای این کار ذکر شد بنده عرض میکنم فواید خیلی هست سلب آزادی هم از هیچکس نمیشود ولی ما می بینیم ضررش بیشتر است از فوایدش اشخاصی را که برای معاونت و وزارت معین کرده ایم نادرست نیستند خیلی خوب و صحیح و امین هستند و لکن عده نظرم باین نکته است که مخالف بانظر ملت و منتخبین ما است باین جهت عرض میکنم که اگر این قانون را صلاح میدانند برای آزادی منسکت و آزادی حقوق عامه ملت عجبالتاً برای ابقاء نظم مجلس شورای ملی این سه چهار ماهه بگذارند این قانون بگذرد مجلس آتیته بیاید اگر مقتضی ندانست تغییر خواهد داد اخبار را از دست مجلس نگرفته اند.

معزز الملک - درموقع قانون گذاری ممکن است انسان يك نظر بدی داشته باشد يك نظر خوب اگر تمام قوانین منسکتی را از نظر بد از نظر سوء ظن بگذارند آنوقت کار منجر باین خواهد شد که قوانینی که وضع شود که در هیچ جای عالم وضع نشده باشد مقنن همیشه وقتی که قانون میگذارد باید تصور کند که تمام اهالی منسکت دارای سوء اخلاقی هستند که حتماً بوضع این قوانین باید از آنها جلو گیری بشود و بنده خیلی تعجب میکنم که وقتیکه يك قانونی میآید بمجلس عرض اینست که خیلی ساده بگذرد میآیم يك اظهاراتی میکنیم و منجر میشود بجاهانی حتی خودمان را هم در انظار مردم بدنام بکنیم و چیزها میگوئیم که هیچ وجود خارجی ندارد مثلاً یکی از نمایندگان میآید بگوید که تمام معایب این منسکت این بوده است که این قانون گذشته بوده است

ببازارتی يك چند نفری از نمایندگان این مجلس سایرین را آلت خودشان قرار داده اند بجهت اینکه بکنند بکنند دیگر بر آلت مقصود خودشان بکنند تا اینکه بخیالات خودشان برسند و من در اینجا میتوانم اظهار بکنم و از طرف خودم و بلکه عده همراه دارم که نتوانستم کسی را آلت دست فراردم و نه آلت دست کسی واقع شده ام قانون هم که وضع میشود نه فقط برای دوره ما است قانون وقتی که گذاشته میشود برای يك مدت غیر معین است تا وقتیکه آن قانون هست قانونیت خواهد داشت و اینجا هم اسم لباس نبرند بجهت اینکه اظهاراتیکه میشود از روی کمال صمیمیت است و هیچ مقصودی ندارند پس اینکه این مسئله را رد میکنند اینجا دوسه مسئله است یکی خوب و بدی خود قانو است و ثانیاً موافقت یا مخالفت با قانون اساسی که این قانون آیا موافق است با قانون اساسی یا مخالف است زیرا فرض بفرمائید يك قانونی باشد که خیلی خوب هم باشد ولی تا وقتیکه مخالف باین ماده قانون اساسی شد با وجود اینکه اتفاق مجلس تصویب کند چون مخالف است با قانون اساسی نباید همچو قانونی بگذارند بجهت اینکه مخالف است با قانون اساسی حالا باین قانون نمیدانم بانظر کدام قانون نگاه کرد اگر بنظر يك نظامنامه داخلی را نگاه بکنیم که آنهم همین طوریکه اینجا گفته شد يك چیز سهی است اولاً نظامنامه داخلی همه میدانند يك تکالیفی تعیین میکند چنانچه اصل ۱۴ قانون اساسی این را تعیین کرده است برای طرز جریان امور در مجلس و بهیچوجه از وجوه حقوق نمایندگان نمیتواند دست درازی بکنند علی الخصوص که آن قسمت آخر که هیچوجه مخالفت نمیتواند مربوط بنظامنامه داخلی باشد بجهت اینکه وقتیکه نماینده خارج شد از مجلس دیگر اطاعت نظامنامه داخلی برای او لازم نخواهد بود پس باید يك معنی پیدا کرد برای این قانون و معلوم باشد که این قانون در ضمن کدام قانونها باید باشد شاید بعضی بگویند در ضمن نظامنامه انتخاباتی باشد آنوقت این يك چیز غریبی میشود نظامنامه انتخاباتی برای رسیدن بيك معامی است یعنی شرایطی را که باید انسان داشته باشد برای رسیدن بيك مقامی معین میشود و این قانون يك شرایطی را معین میکند برای بعد از انتخاب شدن پس باین دلیل هم که عرض میکنم این قانون انتخابات نمیشود و این قانون را باید بنظر يك قانون مستغنی نگاه کرد که مداخله میکند در حدود و اختیارات قانون اساسی و همه تصدیق خواهند کرد که قوانین منسکتی بدو قسمت منقسم میشود یکی قوانین اساسی است یکی قوانین عادی و معمولی در سایر جاها در قوانین اساسی خودشان طریق تجدید نظری در قانون اساسی خودشان را هم معین کرده اند ولی بدبختانه در قانون اساسی ما این طریق هیچ منظور و پیش بینی نشده است و بهیچوجه نماینده ام اگر بر فرض بد ما میجویم که يك جرح و تعدیلی در قانون اساسی بکنیم از چه راه جرح و تعدیل بکنیم و علی ای حال می شود گفت این حق متعلق بمجلس شوری نیست که مواد قانون اساسی را بتواند جرح و تعدیل بکنند از طرف ملت خواهد بود پس بازم خوب است رجوع

تا وقتیکه برای این يك طریق تعیین نشود هیچ نمیتواند مجلس شورای ملی تجدید نظر در آن بکنند بر فرض هم يك قانونی باتفاق از مجلس شورای بگذرد بر فرض مخالفت با قانون اساسی قانونیت نخواهد داشت و باین دلیل باید رجوع بکنیم بخود قانون اساسی چنانچه در کلیه قوانین اساسی تمام عالم هست که برای بعضی چیزها منجمله برای نمایندگان و مجلس يك حدودی معین میشود و هیچکس نمیتواند از آن حدود تخطی کند در قوانین اساسی مثلاً برای سلطان برای مجلس برای وکلاء برای وزراء یا برای سایر ادارات دولتی حدودی که معین شده است که حالاً ممکن است کسی مخالف با مواد و تکالیف معینه در قانون اساسی باشد ولی تا وقتیکه از راه مشروع از راهی که قانون برای تجدید نظر در قانون اساسی معین کرده است داخل نشود نمیتواند جرح و تعدیل بکنند حقوقیکه برای اعضاء مجلس در قانون اساسی تعیین شده است راجع میشود باصل ۱۲ - ۳۰ - ۳۱ - ۳۲ قانون اساسی که در آنجا يك حقی با آنها داده است منجمله در اصل ۳۲ میگوید چنانچه یکی از وکلاء در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف باستعفاء از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود خوبت قدری دقیق شویم در این ماده که این ماده چه میگوید ابتداء تصویب کرده است استخدام در ادارات دولتی را ضمناً باید عرض کنم که شاید خیلی از نمایندگان باشند که در خیلی از مواد قانون اساسی نظراتی داشته باشند ولی تا وقتیکه آن قانون اساسی است مجبورند که آنرا اطاعت کنند حالا بیسیم قانون اساسی چه میگوید این اصل قانون اساسی میگوید چنانچه یکی از وکلاء در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود روح این قسمت ماده قانون اساسی شاید منتهی باشد ولی رو اینقسمت از این ماده هیچ مخالفتی ندیده است مابین وکالت و قبول کردن شغلی در ادارات دولتی چرا بجهت اینکه میگوید چنانچه یکی از وکلاء در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود پس تجویز کرده است که نمایندگان میتوانند در ادارات دولتی مستخدم بشوند منتهی استخدام دوشق دارد باموظف است یا غیر موظف شق اول را قانون اساسی بطور کلی تجویز کرده است چنانچه معاون این ماده این است که میتوانند در ادارات دولتی خدمت بکنند و کسی موظفاً نمیتواند خدمت بکند پس هم تصویب کرده است که بتوانند خدمت بکنند و هم بدون وظیفه خدمت بکنند و باز هم عرض میکنم ممکن است بگویند این ماده خیلی بد است و بواسطه تجربیاتی که حاصل شده است خوب نباشد ولی این ماده همین است که هست و غیر از این نیست حالا همانطوریکه عرض کردم ممکن است اغلب این ماده را تصویب بکنند ولی ما حق نداریم و مجلس شورای ملی حق ندارد که قانون اساسی را تصویب بکنند زیرا باید کسی تصحیح کند این ماده را که حق داشته باشد علی الخصوص که در يك قسمت اخیر این ماده میگوید مجدداً عضویت او در مجلس موقوف باستعفاء از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود پس بازم خوب است رجوع

بکنیم بجملة قسمت اخیر از این ماده تجویز کرده است که يك نماینده پس از يك مدتی نمایندگی داخل شود در خدمت دولتی ولی اگر موظف شد از شغل خود استعفاء میدهد قسمت اخیر این ماده قانون اساسی بکلی منافی است با قسمت اخیر این ماده بجهت اینکه این ماده میگوید که تا وقتی که تمام دوره تقنینیه طی نشود هیچیک از مشاغل دولتی را نباید قبول بکنند در صورتی قانون اساسی اجازه میدهد که کسیکه در يك دوره اول و کبیل شود يك مدتی در مجلس بماند آن وقت اگر يك خدمتی در ادارات دولتی قبول کرد و بعد استعفاء داد و مردم او را انتخاب کردند باز حق داشته باشد که وکیل بشود پس در صورتی که قانون اساسی در يك دوره و کالت سه شغل را اجازه میدهد کدام نماینده است که بگوید در يك دوره تقنینیه بیش از يك شغل را حق ندارد دارا شود و بنده عرض میکنم هیچ این قانون نمیتواند در مجلس مذاکره شود بجهت اینکه ما میدانیم کایه قوانینی که در مجلس میتوانست بیایند و ممکن است در آن داخل شور نشد باید دو اساس داشته باشد که هر يك از قوانینی که در روی آن دو اساس نباشد ابدأ قانونیت ندارد یکی از آن دو اساس عدم مخالفت با شرع انور استویکی دیگر عدم مخالفت با قانون اساسی است که هر يك از قوانینی که بمجلس بیاید محض اینکه بتواند مطرح بشود باید روی این دو ستون ایستاده باشد و الا قانونیت نخواهد داشت برای اینکه در این ماده بشود رأی داد باید ابتدا حل کرد که مخالف است با قانون اساسی یا خیر حالا رجوع میکنیم باین ماده و در این ماده قانون اساسی عبارت اتفاقاً طور واضح نوشته شده است که هیچ احتیاج به تفسیر ندارد که از راه تفسیر این حق را بدیم بمجلس واضح است و ساده و اگر نمایندگان این را محتاج به تفسیر میدانند باید این ماده تفسیر بشود تا وقتی که بتواند این قانون هم در مجرای مطرح مذاکره شود حالا در باب خرد این قانون نظری که مدافعین دارند این است که میگویند که بواسطه يك سکوتی که در امور مملکت پیدا میشود بعبارت ریکی که بنده میخواهم عرض بکنم وقتی که نمایندگان يك ملت که بقول یکی از نمایندگان میخواهند مقام و کالت را يك پله فراتر بدهند برای رسیدن بيك مقام عالیتری پس از آنکه بواسطه گذشتن این قانون مایوس از رسیدن بشغلی شدند آنوقت دیگر امور مملکتی اصلاح شده حال سکوتی در کارها پیدا خواهد شد بنده عرض میکنم بر فرض چنین نماینده کافي در مجلس پیدا شدند وقتیکه مایوس شدند که برای خودشان نمیتوانند کار بکنند برای سایرین که خارج از مجلس هستند کار خواهند کرد زیرا اگر اخلاق ما باین درجه رسیده باشد آنوقت هیچ فرق نمیکند که من اگر با سبب چیزی بتوانم خودم را برسانم بيك مقامی هیچ محتاج نیست باینکه من داخل در مجلس باشم من ممکن است در خارج باشم و آن طرفداران من در مجلس برای من کار بکنند این جنو مرا نخواهد گرفت و حالا قطع نظر از این کاین ماده قانونی مخالف است با اصل مشروطیت عرض میکنم کدر تمام عالم بسی تجربیات یاد دیده اند که بهترین ترتیب مشروطیت این است که وزراء از اعضاء

مجلس شوری یاسنا باشند قطع نظر از اینکه این طرح بر خلاف مشروطیت است و قطع نظر از اینکه این قسمتا لرح آقای عزالدک جلو گیری میکند که هیچیک از نمایندگان نتوانند داخل در تاسیسات نافع علمی از قبیل شورای معارف و اکادیمی ها و مجامع و حفاظ الصحه و غیره کدر آنها داخل بودن شان غیر از منفعت هیچ ضرر دیگری ندارد و غیر از اینها طرح آقای عزالدک مخالف با آزادی شخصی است باز با تمام اینها به بنیم این طرح برای مامنعت دارد یا ندارد امروز اینهمه میگویند کاین طرح خیلی خوب است حالا بنده مخالفت با قانون اساسی را کنار میگذارم مخالفت با روح آزادی را کنار میگذارم مخالفت با این مطالب و جلو گیری از این ترتیبات که عرض کردم کنار میگذارم باز به بنیم کاین قانون در این مملکت صلاح هست یا صلاح نیست بنده عرض میکنم که صلاح نیست وجهتش این است کدر يك مملکتی که اشخاص کبری آن محدود است در يك مملکتی که اینهمه احتیاج باشخاص بصیر لایق دارد دیگر این قسم طرح ها را پیشنهاد کردن حقیقتاً خلاف انصاف است شما اگر اشخاصی دارید اگر در هر جائی باشند از خود آنها استفاده خواهید کرد چنانکه عملاً این مسئله ثابت شد و اشخاصی بودند که شما وجود آنها را منتهم می شمارید که در کابینه اول بودند و بعد که رفتند در خانه شان آرام نشدند بجهت چوچه متوسل با قدامی نشدند کدر مرتبه بیاید بصندالی و کالت به نشینند شما وجود آنها را يك اکثریت قریب با تفاق لازم داشتید رفید آنها را آوردید بعد از آن باز یک مدتی کاشغال صندالی و کالت را می کردند و خدمت بملت و مملکت میکردند باز برای پیشرفت کار مجبور شدند آنها را داخل کابینه بکنید کویا فراموش شده است که بعضی اوقات میشد است که شما کمیونی را معین میکردید که ۸ ساعت به بنیند و در صد پیدا کردن بکنفر برای وزارت باشند تا اینکه بعد از تجسس زیاد باز مجبور میشدید یکی از کسان لایق را کدر مجلس داشتید بوزارت منصوب نمایند و همان استفاده را که از کالت آنها میکردید همان استفاده را در وزارت از آنها بکنید پس در مملکت ما که اشخاص لایق آرا باید بشانگت شمرد این طرح قانونی بر خلاف وضع و صلاح مملکت است و حالا يك نکته دیگری هم هست کدر قسمت اخیر این طرح است نظر تمام نمایندگان محترم می رود بوزارت یا معاونت در صورتیکه قانون کلی است میگوید « هیچیک از مشاغل دولتی را نمیتواند قبول بکنند » بنده يك مثالی میزنم آنوقت بیبه بنیم نمایندگان تصدیق خواهند کرد یا نخواهند کرد فرض بفرمایید یکی از آقایان رئیس اوقاف پارسی عبدالله شیراز بوده است آنوقت وکیل شد و بکنفر کفیل خانواده معین کرده است آمد اینجا با کمال میل و صمیمیت که خدمت بملت بکند دو ماه اینجا وکیل بود و بعد از دو ماه آن شخص که کفیل خانواده و کارهای او بود مرد و این بواسطه کفالت خانواده خودش مجبور است بر سر دوش بشیراز آیا کدام انصاف میگوید که این شخص از رستگی باید ببرد و هیچ شغلی را قبول نکند برای اینکه تفسیری که این بدبخت کرده يك وقت شغل نمایندگی را پذیرفته است این مسئله مطابق کدام وجدان و

کدام انصاف است اینستکه در خانه عرض میکنم که اولاً این طرح مخالف قانون اساسی است ثانیاً با روح مشروطیت تالناً با آزادی شغل و کار رابعاً این طرح مخالف است با انصاف و فقط این از يك نظر تنگی نوشته شده است و برای ۴ ماه و قانون باید از يك نظر بزرگ مملکتی گذارده شود که شامل سال های سال باشد .

نایب رئیس - مذاکرات کافي است (بعضی گفتند کافي است)

آقای سید حسن مدرس - کافي نیست يك کلمه مانده است که باید مذاکره شود .

نایب رئیس - دوقلم پیشنهاد شده است که بر تمام مذاکرات حق تقدم دارد آن اینستکه رجوع بشود بکمیسیون تفسیر معلوم شود که این طرح مخالف با قانون هست یا مخالف نیست تصور میکنم که تمام این مذاکرات بدون رجوع بکمیسیون تفسیر زیادی است این راجع می کنیم بکمیسیون تفسیر اگر کمیسیون تفسیر تصدیق کرد که مخالف نیست آنوقت در ثانی داخل مذاکره می شویم و رأی خواهیم گرفت و گمان میکنم که این مسئله محتاج برای گرفتن هم نیست در مطلبی که مخالفت آن با قانون اساسی مذاکره میشود باید معین شود که منافی قانون اساسی هست یا منافی نیست - دستور روز شنبه ۲۶ - راپورت کمیسیون بودجه راجع بودجه سید حسن و میرزا اسمعیل مجاهد (۲) بودجه منافی قانون اساسی هست یا منافی نیست - دستور روز شنبه ۲۶ - راپورت کمیسیون بودجه راجع بودجه سید حسن و میرزا اسمعیل مجاهد (۲) بودجه مجلس (۳) شور دوم ماده ششم قانون اوقاف (۴) راپورت کمیسیون بودجه در خصوص رخساره خانم (۵) راپورت کمیسیون فوآند عامه در باب استخدام مستخدمین خارجه برای وزارت پست و تلگراف (مجلس نيمساعت از ظهر گذشته ختم شد) با صورت مشروح پس از ملاحظه نمایندگان محترم و تصحیح حضرت آقای آقامیرزا فرامغان مقابله شده صبح است . محل امضاء محمد حسن

جلسه ۲۶۴
صورت مشروح روز شنبه ۲۶ شهر جمادی الاخری ۱۳۲۶

آقای رئیس مؤمن الملک سه ساعت و نیم قبل از ظهر بکرسی ریاست جلوس نموده سه ساعت و ربع قبل از ظهر مجلس رسماً منمقد گردید

آقا میرزا رضا خان ناظمی صورت مجلس روز پنج شنبه ۲۴ رافراغت کردند .

اسلمی غائبین جلسه قبل از قرار ذیل فرائت گسردید .

آقایان ناصر الاسلام - حاج شیخ رئیس بدون اجازه .

آقایان وحید الملک - آقا شیخ محمد خیابانی حاج آقا - میرزا اسدالله خان کردستانی هشت رودی حاج میرزا رضا خان با اجازه غائب بودند .

آقایانیکه بوقت مقرر حاضر نشده اند آقای اقتدار الواعظین نیم ساعت .

آقای آقا سید محمد باقر ادیب ۳۰ دقیقه

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست؟ (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد -

آقای ارباب از وزارت مالیه سئوالی داشته بفرمائید .

ارباب کبخسرو - يك سئوال بنده از وزارت مالیه راجع بعضی قران ها است که بسکه محمد علی شاه پیدا شده است و تاریخ آن ۱۳۲۸ است نفرة آن هم نفرة معمولی نیست در صورتی که پول های سکه سلطان احمد شاه در سنه ۱۳۲۷ در دست است میخواهم بدانم وزارت مالیه در خصوص این سکه ها چه اطلاع دارند این سکه از کجا پیدا شده است و چه اقدامی در خصوص جلو گیری از آن کرده اند سئوال دیگر بنده در خصوص میزبانی های جدید است از قراری که بنده میشنوم از طرف وزارت مالیه از يك سال قبل باین طرف بعضی میزبانی ها در اطراف طهران شده است یعنی هیئت میزبانی قرار داده اند که در اطراف طهران میزبانی بکنند در صورتیکه میزبانی در تبدیل مالیات ها بموجب قانون اساسی از مختصات و وظیفه مجلس شورای ملی است با وجود این که مجلس اخلاص ندارد معذک وزارت مالیه در این باب يك تساری داده اند و آن هیئت هم منفصل شده و يك هیئت دیگری روی کار آورده اند در این باب هم سئوال میکنم که آن هیئت را برای چه قرار داده اند و بعد از آن که قرار داده اند عتس چه بوده است که آن دسته را منفصل کرده اند و يك دسته دیگری روی کار آورده اند سئوال سیم بنده راجع بصل روده است اگر چه آقای ادیب التجار در دو جلسه قبل این سئوال را کرده بودند لیکن بنده نظر بعضی اطلاعات که داشتم و منجمه از بزرگه هیچ آنجا روده اداره نشده است بموجب نوشتجاتی که رسیده است در آنجا اداره نشده است و ابدأ وزارت مالیه هم اطلاع نداشته چنانچه بعضی نوشتجات بدست آورده و بوزارت مالیه فرستاده بودم و خود حکومت آنجا اداره کرده اند و وزارت مالیه نمیدانند حساب آنجا چه بوده است و بنده نمیدانم سایر جاها هم همین ترتیب را داشته است یا اینکه صحیحاً اداره شده است علی العجابه بنده باین سه سئوال اکتفا میکنم تا اینکه جوابهای بنده را بفرمائید .

معاون وزارت مالیه - اولاً راجع بضرر سکه که فرمودند در سنه ۱۳۲۸ بعضی دوزخاری ها باسم محمد علی میرزا مسکوک بوده است این مسئله رجوع شد بخزاندار کل که تفتیش کامل کرده راپورت بوزارت مالیه رسیده مطابق راپورتی که از مستردیکی دیروز رسیده است معلوم شده است که در ضرابخانه این مسئله واقع نشده است و در خارج شده است در این صورت با اداره نظمی است که این تحقیق را بکنند و از وزارت داخله باید سئوال شود در مسئله میزبانی هم که فرمودند از چندی قبل به این طرف . یعنی از ابتدای مشروطیت صغیر يك هیئتی از برای میزبانی اطراف طهران معین شده و مشغول کار بودند و در استبداد صغیر این میزبانی توفیق شد و پس از عود مشروطیت و افتتاح مجلس بناز این هیئت مشغول کار شدند تا قریب بيك ماه و نیم قبل که وزارت مالیه نظر بعسرت مالیه این هیئت را عجلتاً لازم ندانست و این هیئت را منفصل کرد زیرا که ماهی سه هزار تومان این هیئت حقوق می گرفتند و در این مدت تبدیل مالیاتی نشده است فقط رفته اند صورتی از مزایمی که آنجا هست یعنی از عایدات برداشته اند و این صورت را بوزارت مالیه داده اند

که فعلاً در وزارت مالیه موجود است لکن وزارت مالیه اقدامی در تبدیل مالیات آنها نکرده است و انفصال آن هاهم بواسطه ضیق مالیه بود که منفصل کرده اینک فرمودند هیئت جدیدی تشکیل داده شده است روزا ت مالیه همچو هیئتی تشکیل نداده و مصمم به تشکیل هم نیست و مسئله روده هم که فرمودند در جلسه قبل هم آقای ادیب التجار این سئوال را کردند ولی هنوز صورت صحیحی در حساب عمل روده نداده اند که عرض شود و البته در این مسئله هم تحقیقات کامل خواهد شد اگر چیزی حکومت اخذ کرده و مداخله کرده تحقیقاتی بفرمایند مجلس خواهد رسید .

ارباب کبخسرو - مسئله سکه اگر چه يك سئوالی نیست و بنده خیلی به اختصار میگویم ولی این راجع و مختص بوزارت مالیه است و هر قسم تحقیقاتی که باید بشود خود وزارت مالیه باید بکند که از مختصات وزارت مالیه است و اگر از وزارت داخله هم تعقیبی باید بشود از طرف وزارت مالیه باید بوزارت داخله اظهار بشود .

معاون وزارت مالیه - بله اگر در ضرب سکه اختلال و اغتشاشی واقع بشود این وظیفه وزارت مالیه است ولی اگر در شهر و خارج شهر که خارج از ضرابخانه است اتفاقی بیفتد این راجع بوزارت داخله و ابدأ ربطی بوزارت مالیه ندارد مالیه مسؤل این کار نخواهد بود .

رئیس - آقای ادیب التجار از وزارت مالیه سئوالی داشتید بفرمائید .

ادیب التجار - مدتی است که در اسلامبول ایرانی های مقیم آنجا برای ترویج معارف بجهت ابناء ایرانی و مخصوصاً ایتم و بی برستارها که آنجا هستند مدرسه باسم دبستان ایرانیان تأسیس کرده اند و سالبکه مرحوم مظفر الدین شاه باسلامبول تشریف بردند خیلی از حس ایرانی ها اظهار رضا مندی کردند و میبایست که دوست و پنجاه لیره انگلیسی است بطور همراهی اعانه بآن مدرسه همه سه ساله مرحمت فرمودند و دستخط فرمودند و حالا ۴ سال است این مبلغ نرسیده بدبستان و در این خصوص نوشتجات زیاد چه بوزارت خارجه و چه ببعضی از نمایندگان رسیده است و بنده هم رسیده است چون عرض کردم کلیه نظر مجلس شورای ملی و دولت مشروطه در ترویج معارف است و میدانند که در اسلامبول که بیابخت بزرگ اسلامی است از هر دولتی مدارس بزرگ بجهت ترقی و تحصیل ابناء این وطن خودشان بر قرار کرده اند ایران ها با آن زحمات يك مدرسه و دبستانی تأسیس کرده اند با این اقداماتیکه در ترویج معارف دارند خصوصاً بجهت تصحیح اخلاق اطفال بی برستار و ایتم مخصوص آنجا فتوت و غیرت کردند و این مدرسه را تشکیل کرد اند و مدرسه است بوزارت مالیه و خارجه تأکیدات کرده اند که این حقوق عقب افتاده ۴ ساله که شاه مرحوم مقرر کرده اند برسانند آیا مقرر فرموده اند که در « آ » مدرسه داده شود چه اقدامی کرده اند که این هزار لیره عقب افتاده چهار ساله آن مدرسه بآنها برسد و اگر اقدامی فرموده اند استماع دارم که زودتر اقدامی در این

خصوص بفرمائید و نتیجه اقدام خودشان را بفرمائید

معاون وزارت مالیه - این سئوال آقای ادیب التجار اگر چه کتیباً بوزارت مالیه نرسیده است لیکن بنده تحقیق میکنم اگر از وزارت خارجه در این خصوص اظهاری بوزارت مالیه شده باشد البته نهایت مساعدت را در ایصال این وجه وزارت مالیه خواهد کرد .

رئیس - این سئوال در ۲۳ ربیع الثانی فرستاده شده است .

ادیب التجار - حضرت رئیس که فرمودند در ۲۳ ربیع الثانی سئوال بنده را فرستاده اند لیکن... **رئیس** - جواب سئوال شما را کندانند گفتند باید تحقیق کنیم بعد از آن جواب شما را دادند نمیتوانید سئوال بکنید .

ادیب التجار - پس خواهش میکنم که زودتر اقدام شود .

رئیس - آقای غلامحسین سئوالی داشتید بفرمائید .

آقا شیخ غلامحسین - بنده دو سئوال مدتی است که از وزارت مالیه کرده ام یکی راجع بود بکمیانی خالصجات کدر روز بعد از انحصار بنده سئوال کرده ام که چه ترتیب اتخاذ کرده اند برای اداره کردن و جلو گیری از خسارت دولت و جمع آوری محصولات اینک موقعش گذشته است .

اما سئوال دیگر بنده راجع بود به مسئله بیست و يك تومان تفاوت عمل عجم جابر کراجع بشاهرود است انجمن ولایتی شاهرود تصدیق کرده بود لزوم این تخفیف را و آنرا بنده آوردم دادم با آقای معاون وزارت مالیه و معاون هم رجوع کردند یکی از اداراتی که بایستی رجوع کنند گویا آن اداره در تحت ریاست عین الملک است و مدتی است میگردد نه وزارت مالیه تصدیق کرده است که این تخفیف باید داده شود و نه اینکه رد کرده است که این تخفیف را نیدم بنده سئوال میکنم که وزارت مالیه بالاخره در این خصوص چه نظری دارند سئوال دیگر بنده راجع بعضی خالصجات دولتی است که فیروز آباد بهرام و سعد آباد است که از املاک و خالصجات دولت است که در اوایل دولت جدید گویا اعتماد حرم خواج مدنی ملکیت شده است و به معاکمات وزارت مالیه رجوع شده و اعتماد حرم محکوم شده است و معلوم شده است که متعلق بدولت است از قراری که از یازده روز پیش در روز قبل شنیده ام بعضی هاد این صددر آمده اند که آن حکم معاکمات وزارت مالیه رابنوبن اینک سنه قانونی داشته باشد تقص بکنند و این ملکیت خالص دولت را بتصرف اعتماد حرم بدهند و فقط مانعی که برای اینکار بوده است همان حکم معاکمات وزارت مالیه بوده است و الا بعضی اقدامات دیگر شده بودند خواستم سئوال کنم ببینم وزارت مالیه برای حفظ اموال دولت حاضر است آنچه در خارج تهیه کرده و وسیله قرار داده اند تصدیق بکنند یا اینکه حاضر نیست .

معاون وزارت مالیه - اولاً در مسئله تخفیف عجم جابر انجمن ولایتی و پیشکار مالیه بطوری که فرمودند تصدیق کرده است که این تخفیف بان باید داده شود چون بموجب ماده ۹۱ قانون انجمنها

ایالتی انجمن های ایالتی حق دارد که تحقیق و استعدای تفهیمات نموده تصدیق بدهد باین جهت بنده این مسئله را تأکید کردم که بطوریکه انجمن ولایتی تصدیق کرده است تخفیف در سنه ماضیه به آنها داده شود و در مسئله خالصیات دولتی که فرمودند مسئله فیروز آباد و سمدآباد آن مسئله را مراجعه کرده بدوسیه آن کار و صورتیکه تصدیق کرده بودند در محاکمات و هیئتی که در وزارت مالیه برای رسیدگی باین کار تشکیل شده بود که اینها ملکیت اعتماد حرم است و ابداراجع بدولت نیست و تفاوتیم ازبابت مالیات او برای دولت حاصل نمیشود یعنی مالیات او را همیشه جمع خالص میگرداند و قبل از آنکه کبیانی خالصجات منفصل شود جمع عایدات خالصجات میشده است ازاین جهت وزارت مالیه تصدیق کرد که کماکان ملک او است و نباید بتصرف او باشد.

آقا شیخ غلامحسین - بنده تصور میکنم که در این ملک اشتباهی شده است راجع به فیروز آباد و سمدآباد فیروز آباد و سمدآباد در اینکه هر دو خالصه دولتی بوده است هیچ شیبه ندارد و در زمان ناصرالدین شاه مرحوم یک فرمانی ناقص صادر میشود بملکیت اعتماد حرم و آن فرمان بقسمیکه تمام باید بشود نمیشود و مرحوم امین الدوله چون آن فرمان ناقص بوده است این فرمان را نقض میکند و این ملک را از اعتماد حرم بگیرد و در تصرف دولت بوده است در این اواخر قبل از تشکیل دولت جدید گویا اعتماد حرم به بعضی وسایل مشیت میشود و این املاک را در تصرف خودش در میآورد و بنده مطابق اطلاعاتیکه دارم در محاکمات وزارت مالیه اعتماد حرم محکوم شده است و حکم داده شده است از محاکمات وزارت مالیه باینکه این ملک دولت و خالصه است و آن فرمان ناقص است و بدینجهت است فرمانی که مرحوم امین الدوله او را نقض کرده است قابل نیست که آنرا سنده قرار بدهند حالا اگر وزارت مالیه نظرات بنده را تصدیق نمیکند بنده تحقیقات تانیه کرده و اگر قانع نشدم استیضاح خواهم کرد و اما در خصوص تخفیف عجم جابر خیلی خوشوقت هستم که آقای معاون وزارت مالیه تأکید کردند که این بیچاره ها از ادای یک وجهی که تلک ادای آنرا ندارند خلاص بشوند.

معاون وزارت مالیه - بنده بنده معنی فرمان ناقص و صحیح را نمیفهمم فرمانی که در زمان ناصرالدین شاه مرحوم بکسی داده اند و این شخص هم تا بحال منصرف بوده است و این فرمان هم در وزارت مالیه ارائه شده هیئتی که برای این کار تشکیل شده بود تصدیق کردند که منقذ او است و رجوع هم کرده است هیئت وزراء همیشه وزراء هم تصدیق کرده اند که منقذ او است و باید در تصرف او باشد و عزم کرده است هیچ تقاضائی ندارد چه در تصرف او باشد چه در تصرف او نباشد و جزء خالصجات دولتی باشد آن مالیاتی را که باید بدولت بپردازد میریزد هیچ تفاوتی نخواهد کرد.

رئیس - آقای لواء الدوله سؤالی داشتید بفرمائید.

لواء الدوله - بنده آن وقتیکه سؤالی کردم تقریباً دو سه ماه پیش بوده است گمان میکنم موقعتش گذشته است.

رئیس - اگر موقعتش گذشته است که معلوم میشود سؤالی ندارید.

لواء الدوله - اما باید بنده بدانم یک عده املاک خالصه که قوتواش ازاضی سایرین را مشروب میکنند بنده نمیدانم از اول بهار معصولش را گرفته اند بگه رسیده است و بدینجهت است سؤالی که متعلق به اول بهار است حالا فایده ای ندارد.

معاون وزارت مالیه - بنده درست مسبقاً نیست از سوال آقای لواء الدوله و جزء آن صورتی که از وزارت مالیه خواسته بودم این سؤال را بنده نمیدانم تحقیق می کنم اگر دانستم بمعرض میکنم عجلتاً خودشان هم که می فرمایند موقعتش گذشته است.

رئیس - سؤال ایشان در خصوص مباشر و میراب قنوت دولتی بود - آقای ادیب التجار سؤالی در باب تقشیش ضرابخانه داشتید بفرمائید.

ادیب التجار - آن روز هم در ضمن سؤالات خودم عرض کرده ام اقداماتی که از جانب وزارت مالیه کرده بودند در خصوص تقشیش ضرابخانه شایعات زیادی شنیده میشود اقدامی که در این دو ماهه وزارت مالیه کرده است چه بوده است استدعا می کنم بجهت اطلاع نمایندگان محترم تحقیقاً بمعرض مجلس برسانید.

معاون وزارت مالیه - در جلسه گذشته عرض کردم در موقعتی که سؤال کردند که این مسئله راجع کردن کردیم بخرانه دار کل و خرانه دار کل مسترد یکی را مأمور تقشیش کرده است هر وقت تمام شد تقشیش او را بعرض میرسانم.

رئیس - آقای ادیب التجار در باب ۲۴ هزار لیره سؤالی داشتید.

ادیب التجار - شنیده شد و این مطلب هم شایع است که ۲۴ هزار لیره وزارت مالیه در وجه حاج معین التجار بوشهری داده اند این از چه بابت است اولاً آیا این مطلب حقیقت دارد یا ندارد و اگر دارد از چه بابت است.

معاون وزارت مالیه - در ۱۵ نوبت محه ۱۳۲۸ که مطابق ۲۶ قوس بود هیئت وزرای سابق با حاج معین التجار قرار داده اند که آنچه خاک موجودی در جزیره هرمز داشته است بدولت واگذار کنند و هر «تنی» ۴۲ شلینگ و نیم به او قیمت بدهند و در ۲۶ جدی که یک ماه بعد از این قرار داد است حواله ای از وزارت مالیه خطاب به () داده شده است که از اول ژانویه (۱۹۱۱) ازهر تن خاکی که حمل می شود بفخارجه یک لیره بجای معین بدهند که مطاب اواز بابت خاک موجوده مستهت بشود باین معنی که قرار داده اند (۱۱۲۹۴) تن خاکی که حاج معین التجار مدعی بود که در آنجا دارد آن خاک را بفروشد بتسریع این خاک را واز هر تنی یک لیره به او بدهند در سال ۶۰۰ تن خاک حمل بفخارجه میشود و قتیکه میزان میکنم میبینم که در ظرف پنجسان طب ایشان تأذیه میشود واز آن وقت تا بحال هم مقدار خاکی که فروش رفته است یک لیره ازهر تنی خاک به او داده شده است و ضمناً هم قرار داده اند که اگر از (۱۱۲۹۴) تن خاک کمتر باشد بهمان نسبت از آن کسر شود و اگر اضافه شد باز دولت ازهر تن خاک ۴۲ شلینگ و نیم بآوردند

و حالا بوجوب کیلی که کرده اند و راپورتیکه داده اند بوزارت مالیه خاک او علاوه شده است از این میزان و او هم مطالبه علاوه را میکند.

ادیب التجار - مسئله حاج معین بوشهری و آن قرارداد دولتی و آن فرمانیکه صادر شده است اینها مسائل متنازع فیه بوده است و مطلب مهم بود و شنیده شد که اجاره او منقضی شده است دیگر این که آیا خاکیکه موجود بوده است از خاک کی است که از سابق در مدتی که در اجاره او بوده است استخراج شده یا خیر پس از انقضای مدت اجاره استخراج شده.

معاون وزارت مالیه - بنده این مبلغ از بابت خاک موجودی است که قبل از این قبل استخراج شده و از این قبل بعد در تصرف دولت است

رئیس - آقای بهجت سؤالی داشتید بفرمائید.

بهجت - البته خاطر آقایان مسبقاً است و وزارت مالیه هم میدانند که تقریباً سه چهار سال است دهات اطراف دزفول محل تاخت و تاز است و یکلی محصول عاید اهالی آنجا نمیشود نه اینکه محصولی عاید نمیشود بلکه بالکلیه اهالی آن دهات هم منقرض شده اند نه بنوک بوده است در اطراف دزفول که بالکلیه لم بزوغ شده است وجه شده است اگر چه معلوم نیست که مالیات بارسان عربستان عاید کی شده است وجه شده است و یکی این مسئله لایتنج است واز وزرای سابق هم مکرر سؤال شد و جوابهایی دادند و حالا خلاف آنها معلوم میشود کار بان ندارند ولی از ابتدای سال گذشته که این سال سال دویست میشود که موارد شدیم چه از طرف مجلس چه خودمان مستقیماً با وزارت مالیه مذاکره کردیم که اینها هیچ ندارند که بدولت از آن مالیاتی بدهند و باز مطالبه مالیات میشود با وجود اینکه امروز یک وجب زمین مزروع در آنجا نیست که سهل است یک نفر ساکنی هم ندارد حالا سؤال میکنم از معاون وزارت مالیه که آیا اطلاع از وضع آنجا دارند یعنی از وضع مالیات عربستان یا ندارند. تانیا اگر اطلاع دارند بفرمائید و آیا هیچ ترتیبی برای تخفیف این مالیات و رفع این مطالبات که از آن ها میشود داده شده چون من نمیتوانم عرض بکنم که یک کسی رسمی از طرف دولت مطالبه مالیات بکنند و چنانچه عرض کردم اهالی عربستان سالی دو سه مرتبه مالیات میدهند و هیچ یک معلوم نیست که عاید دولت میشود یا خیر معذرت چون مالیات است و آنها بعنوان مالیات وصول میکنند از این جهت سؤال میکنم که آیا چه اقدامی فرموده اند که این چیز بیجهت را عجلتاً از آنها مطالبه میکنند یا نه و آن مالیات های قبل بکعباید شده است.

معاون وزارت مالیه - در این مورد چند روز قبل که از طرف نمایندگان محترم اظهاری بطور خصوصی شد بنده در همین باب یک تلگرافی کردم بکار مالیه آنجا که تحقیقات کرده نتیجه اطلاعات و تحقیقات خود را تلگراف کند تا اقدامیکه مقتضی است در این باب بشود.

آقای شیخ علی خراسانی - در قانون محاسبات عمومی که گذشت در آنجا برای تفریح بود چه یک

زمانی را معین کرده بود سه سنه قرار داده بود سنه اول را سنه مالیات تانیه را سنه دوره عمل سنه نالتی بلشقداری از آن را برای تفریح بود چه چون یکی از تکالیف و وظایف مهمه عموم نمایندگان این است که یک اطلاعی از جمع و خرج مملکت داشته باشند و بواسطه بی ترتیبی های سابق گویا هیچیک از آقایان موفق نشدند که این اطلاع بآنها برسد چون نه در سنه مالیه و نه در دوره عمل بجهت آقایان نمایندگان این اطلاع حاصل نشد میخواستیم از وزارت مالیه سؤال کنیم که آیا تفریح بود چه خواهد شد که یک اطلاعی برای نمایندگان حاصل بشود یا خیر بواسطه آنکه حسابی که از سنه مالیه تخافوی قبل بوده است در این سنه تفریح بود چه خواهد بود و آیا تفریح بود چه سنه تخافوی قبل خواهد شد و طبع و توزیع هم خواهد شد و باین اطلاع موفق خواهیم شد یا خیر این یک سؤال بنده و سؤال دیگر بنده راجع است بیک مطلبی که برهه آقایان نمایندگان لازم است که آنرا رعایت کنند و آن حفظ مجلس است قریب هشت ماه یک سال است که ما اتصالاً در جرایم میخواستیم که جناب حاج وکیل الرعایا چه شده است و چه شده است و بنده که یک نفر نماینده هستم هیچ حاضر نیستم بشنوم بعضی توهینات را بیکنفر نماینده لهذا از وزارت مالیه سؤال میکنم که آیا رسیدگی بحساب حاج وکیل الرعایا شده است و حساب ایشان معلوم شده است و ما خواهیم دانست یا اینکه همین طور در بوته اجمال مانده است و این دوره را بر خواهیم برد و نخواهیم دانست که این گفتگوهاییکه بوده است صدق بوده است یا کذب همین قدر از وزارت مالیه میخواستیم سؤال کنیم.

معاون وزارت مالیه (معاون وزارت مالیه) اولاً در باب صورت جمع و خرج سنه تخافوی قبل این مسئله منحصر خواهد شد بچهار ماهه آخر سال زیرا بنده بموجب اطلاعاتیکه در این چند روزه تحصیل کرده ام از اول چهار ماهه آخر سال تخافوی قبل یک دفتر محاسبات مرتبی در وزارت مالیه تشکیل شده است که میتوان صورت جمع و خرج را از آن دفتر استخراج و طبع و توزیع کرد و بنده صورت خرج دولت را از اول تخافوی قبل تا امروز یعنی تا روزی که در وزارت مالیه رفته ام از دفتر محاسبات مالیه خواسته ام و بعد از اینکه آن صورت رسید البته بنظر نمایندگان خواهد رسید و شاید طبع و توزیع هم بشود که عامه ملت هم بدانند در مسئله جناب حاج وکیل الرعایا هم در وزارت مالیه یک رسیدگی اجمالی شده است ولی بعقبه بنده این مسئله راجع بدیوان محاسبات است که درست رسیدگی کرده و این حساب را بنک خاتمه بدهد که رفع این گفتگو ها بشود.

حاج شیخ علی خراسانی - سؤال اول را که فرمودند منتظریم کطبع و توزیع بشود و به اطلاع نمایندگان و عموم برسد و اما راجع بسؤال ثانی که فرمودند راجع خواهد شد بدیوان محاسبات این کی خواهد شد بهمین زودی است کما اطلاع پیدا خواهیم کرد یا این که ماها موفق به این اطلاع نخواهیم شد.

معاون وزارت مالیه - همین دو روزه بدیوان محاسبات رجوع خواهد شد.

رئیس - دیگر سؤالاتی نیست.

حاج سید ابراهیم - آئینده سؤالی داشتم

رئیس - در چه مسئله است.

حاج سید ابراهیم - راجع است به فارس.

رئیس - مسبقاً هستند.

حاج سید ابراهیم - بله اطلاع دارند.

رئیس - پس بفرمائید.

حاج سید ابراهیم - مقدمتاً عرض میکنم که آنچه در کمیسیون بودجه رسیدگی شد در باب مالیات های فارس معلوم شد که مالیات های هیچ جا مثل مالیات فارس بی ترتیب نیست و صورت هائیکه از انجمن ایالتی فارس خواستم و آمد بعد معلوم شد که تقریباً چهل هزار تومان با صورت دفتری وزارت مالیه اختلاف دارد و صورت معاملات هیچ سالی با سال دیگر مطابق نبود و از آن وقت تا بحال میبینم وزارت مالیه هیچ اقدامی در این باب نکرده است در اینجا بنده چند سؤالی دارم یکی اینکه در زرع اختلاف یعنی مرتب کردن یک صورت حسابی مرتب که هم وزارت مالیه داشته باشد و هم معمول به در آنجا باشد چه اقدامی کرده اند بجهت رفع این اختلافات این صورتها میخواستیم بدانم وزارت مالیه چه خیالی کرده است و یکی هم در رسیدگی بحساب سنه گذشته که با اعتقاد بنده اغلب مالیات های فارس وصول شده و وزارت مالیه هم شاید بعضی اوقات هم اظهار کرده باشد که اکثر آن وصول شده است و بعقبه بنده وصول شده است آیا برای تسویه حساب سابق یک طریقه ای اتخاذ کرده اند یا نه دیگری سؤال سیم بنده است و آن اینست که امسال پیشکار مالیه فارس مطابق سنوات سابق در معاملات مالیاتی فارس بزیاده رفتار میکنند یعنی بطور عمل کرد و هر کسی زید تر بدهد باز میدهد و بپس میزانی که بیش ببرد متلاصق می کند که تومان مالیات باید بدهد بواسطه مزایده و طریف ساختن بپس چه بالا برود میدهد اجمالاً طریقی را مقابل هم دیگر او میدارد و همین طور زیاد میکنند هر چه پیشرفت خواهد گرفت چنانچه بعضی تکرافات بخود بنده رسیده است و بعضی تکرافات در دست است که شاهد این مدعا است که بر خلاف دستور العمل وزارت مالیه و انجمن ایالتی مزایده رفتار شده است سؤال میکنم در جلوگیری از این کار و رفتار استبدادی ایشان اقدامی شده است که این کار را ترک کنند یا خیر.

معاون وزارت مالیه - بطوریکه فرمودید در مسئله اختلافات صورتتانی که رسیده است بنده تصدیق میکنم یعنی وزارت مالیه تصدیق دارد که صورتتانی که از امین مالیه و انجمن آنجا رسیده است یک مقدارش اختلاف دارد و برای این کار وزارت مالیه مصمم است که بکنفر مفتش بفرستد که یک صورت صحیحی بوزارت مالیه پیشنهاد بکند تا اینکه از روی آن فراری که لازم است در باب مالیات آنجا بدهد و در باب رسیدگی بحساب سنه ماضیه هم البته میدانید که رسیدگی بحساب از وظیفه دیوان محاسبات است ولی این مفتش که برود همین قدر معلوم خواهد کرد چقدر از مالیات سنه گذشته باقی

است چقدر وصول شده است اما در مسئله مزایمهم که فرمودند یک تلگرافی رسیده است از پیشکار مالیه آنجا که یک مقداری اضافه خواسته اند یعنی صورتی که امین مالیه داده است از یک مقداری اضافه است هر صورتی که سابق داده اند و این تصور کرده است که این مقدار را بیشتر پیشکار های مالیه و عمال خودشان می بردند و این را خواسته است بدولت عاید کند لیکن وزارت مالیه هنوز این را تصدیق نکرده است و این را موکول کرده است باینکه مفتش برود و تحقیق کند که این عملی خواهد بود برعایا یا این که این یک فایده بوده است که میداده اند برعایا منتها دیگران میبرده اند از این جهت برای حل و تسویه این مسائلی که اظهار کردید وزارت مالیه عقیده اش این است که یک نفر مفتش بفرستد و همین چند روزه اعزام خواهد کرد.

حاج سید ابراهیم - بنده هم تشکر دارم از این اقدامات وزارت مالیه ولی میخواستیم عرض کنیم که آن مثال قصبه اردکان است که در صورت ارسال امین مالیه و صورت ارسال انجمن و صورتتیکه در دفتر وزارت مالیه بوده شش هزار تومان بوده و استصوابها را که اضافه کرده اند دو بیست و پنجاه تومان و معذرت ۷۲۶۲ تومان سند گرفته بواسطه آن که آنجا را به مزایده گذاشته اند و یک رقب در مقابل او تراشیده اند و این حرکات را خودشان کرده اند یعنی از طرف خودشان ناشی شده است و باید این عمل در جلوگیری از نظایر آن بشود.

معاون وزارت مالیه - بله این صورت رسیده است واز بابت اردکان هم هست ولی وزارت مالیه هنوز تصدیق نکرده است منتظر است مفتش برود و تکلیف این فقره را معین کند.

رئیس - آقای منتصر السلطان هم سؤالی داشتند.

منتصر السلطان - چون راجع به کلک و معاون جنوب و ذهن آقای معاون مسبقاً است می فرمائید عرض کنیم.

رئیس - بفرمائید.

منتصر السلطان - در خصوص معادن جنوب و کلک از قراریکه اینجا شنیده ام در خارج هم شنیده میشود بیست و چهار هزار لیره انگلیسی باسم یازده هزار تن خاک حواله حاج معین بوشهری کرده اند در صورتیکه از رئیس گمرکات بنادر جنوب راپورتی رسیده است بوزارت فوائد عامه ووزارت مالیه ۸۲۲۶ تن خاک جناب حاج معین بوشهری است که بوجوب صورتیکه خود حاج معین بوشهری فرستاده بودند صدی شش و نیم حق استخراج و ورود بکشتی را معین کرده بودند ولی اداره گمرکات برای اینکه رعایت عمه جات را بکنند و زیاد تر بدهد صدی هشت و نیم را بوزارت مالیه صورت داده بوده است و حساب کرده و این صدی هشت و نیم را هم که حساب بکنند برای تا وارد شدن در کشتی را حساب میکنند و این حسابها که آقای حاج معین دادند اظهار میکنند در ابتاز است و خرج از ابتاز تا کشتی است

صدی دو و نیم میشود که اگر از روی مآخذ بکه گمرک بان
 مأخذ صورت داده است صدی پنج خرج تا انبارش
 میشود تا صدی پنج و نیم و مطابق صورتیکه خود
 آقای حاج معین بوشهری داده اند صدی چهار و نیم
 میشود پس باید اینرا از آن بیست و چهار هزار لیره
 گسر کرده باشند آن وقت باید بموجب صورتتیس
 کل گمرکات جنوب که کنگ ۸۲۲۶ تن است آن را
 هم باید از یازده هزار تن کسر کرده و این جا خلی
 تفاوت حاصل خواهد شد در صورتیکه اگر مجلس
 هم قبول کرده باشد که این خاک حقه او است
 اگر هم قبول کرده اند کرده اند یا بجهت میخواستیم
 از معاون محترم سؤال بکنم که آیا بدو سیه اینکار
 رجوع فرموده اند و مقرر داشته اند که این تفاوت را
 کسر نکنند از این بیول را تا به آن
 اندازه معجز بکنند و حواله بکنند یا
 اینکه حواله نکرده اند چون این تفاوت خودش
 چندین هزار تن خاک میشود و آیا فکری برای
 اداره کردن معادن جنوب کرده اند چنانچه در سابق
 مرحوم صنیع الدوله این بول را که معین کردند
 بدهند برای این کار بوده است که دو نفر متخصص
 اینکار و دو نفر مهندس برای اینکار بیابرد تا این
 که مطابق آن صورتی که خود مرحوم صنیع الدوله
 بیندیشان دادند که دخل معادن جنوب را خیلی تصور
 کرده بودند که اگر اینجا عرض بکنم شاید گراف
 بداند در آن صورت معین کرده بودند که مشایخ
 کلی بدولت بعد از خرج آوردن دو نفر متخصص
 حاصل میشود آیا در اداره کردن فکری کرده اند
 و در معجز کردن آن حواله هم نظری داشته اند
 یا خیر .

معاون وزارت مالیه - اولاد در خصوص
 کپل خاک که فرمودید بموجب صورتیکه رسیده
 کمتر از یازده هزار (تن) است مطابق صورتیکه
 بنده دیرور دیدم یعنی دایوریتیکه از اداره گمرکات
 رسیده پیش از این مأخذ بنظر بنده رسیده است یعنی
 شاید هزار تن بیش از این مأخذ است تقریباً و ثانیاً
 حالا که این سؤال را فرمودید باز بنده مراجعه
 خواهم کرد و تحقیقات کامله از اداره گمرکات خواهم
 کرد در صورتیکه کمتر از این باشد البته از آن
 مبلغ بموجب آن قرار داد کسر خواهم کرد و در
 باب آن تفاوت هم که فرمودید بنده چیزی در این
 باب تفهیمه یعنی در آن قرار دانی که بنده در
 دو سیه مراجعه کردم چیزی در این باب اشاره نشده
 است و خوب است مشروحا این سؤال را بنویسید
 بفرستید بوزارت مالیه که بنده تحقیقات کامله بکنم
 و چنانچه این مسئله جزء قرار داد باشد وزارت
 مالیه البته اقدام خواهد نمود و مسئله اداره کردن
 هم تاکنون که اقدامی در این باب از طرف وزارت
 مالیه نشده است یعنی بنده اضلاعی ندارم بعد تحقیق
 خواهم کرد و البته وزارت مالیه میبایستی صحیحاً
 آنجا را اداره بکند و در تحت نظر دولت باشد و
 البته بطور خوش آنجا اداره خواهد شد و تا آنساعه
 که بنده عرض میکنم اضلاعی در این خصوص که آیا
 اقدامی در باب اداره کردن آنجا شده است یا نشده
 است ندارم .

منتصر السلطان - صورت گمرکات جنوب
 را بنده هم دارم و بوزارت مالیه هم تقدیم میکنم
 که مفصلاً بوق بشوند و در دو سیه هم هست و مفصل
 هم به همین طوری که عرض کردم سؤالی خواهم داشت
 که ملاحظه بفرمائید و در باب تصدیق کرد مجلس
 هم فرمودید که آیا لازم است مجلس تصدیق بکند
 یا نه چون شخصاً بنده این عقیده دارم که مربوط به
 مجلس است از این جهت میخوام بفرمائید که تصدیق
 مجلس را لازم میدانند یا خیر ؟

معاون وزارت مالیه - گسمن میکنم
 این مسئله مربوط به مجلس نباشد و چنانچه مربوط
 بود البته وزرای سابق لابد رجوع به مجلس میکردند
 این یک قراردادی است بایک شخص تجاری و وقت
 مجلس را در این باب نباید مشغول کرد و این قرارداد
 هم گذشته است و داخل عمل هم شده اند و مدتی
 است که معجزی شده است در باب صورت هم البته
 بنده خیلی معاون خواهم شد با آن سؤال خودتان
 بفرستید بوزارت مالیه که تحقیقاتی که در این باب
 لازم است بتواند .

رئیس در ضمن سؤال راجع به آفتی
 حاج وکیل الرعایا اظهار میفرمود که لکن مدتی است
 بنده در این صدد بوده که اظهاراتی که در باب حاج
 وکیل الرعایا میشود باید خاتمه داده شود چون یکی
 از وظایف بنده این است که حفظ شرف مجلس و
 اشخاصیکه در مجلس هستند بکنم و باید معلوم
 شود که این اظهاراتی که نسبت ایشان میشود صحت
 دارد یا ندارد و خودشان هم بیک چندی قبل آمدند
 به بنده اظهار کردند که من میخوام باینکار رسیدگی
 شود و واقفاً اگر این اظهارات صحت دارد تکلیف
 بنده هم معین شود و اظهاراتی که خودشان کردند
 این بود که مستخدمین امریکائی که تازه وارد شده اند
 این امر را رجوع بکنند و دایوریتش را بتوسط
 وزارت مالیه بکنند بنده هم چون این عقیده
 را پندیدم این است که بعرض مجلس رسایدم اگر
 صلاح میدانند همین طور رفتار بشود آقای معاون
 هم که اینجاست شریف دارند اگر صلاح دیدند بنده از
 کل اطلاع داده میشود که باین کار رسیدگی بکند
 و آنچه نوشته است و اسنادی که در مجلس هست و
 تقدیش را که کمیسیون سابق کرده است آنها هم
 فرستاده شود که رسیدگی کنند و هر اتفاقی که
 در این باب است به مجلس اظهار بکنند در این باب
 کسی مخالف نیست ؟

(گفتند خیر) .

حاج شیخ اسدالله - بنده مخالفم .
رئیس - پس رأی میگیریم - آقایانی که
 موافقت در این باب قیام نمایند .

(اغلب قیام نمودند) .

رئیس - اکثریت است .
معاون وزارت مالیه - لایحه ای است
 راجع به استخدام چهار نفر امریکائی سه نفر از برای
 تقویت و یک نفر از برای معاونت مالیاتی تقدیم مجلس
 شورای ملی میشود .

رئیس - پس میفرستیم بکمیسیون بودجه
 راپورت که دادند خوانده میشود .

معاون - برطبق قانونی که در ۲۳ جوزا

از مجلس گذشت اعتبارش هم از تصویب مجلس
 گذشته است و اگر اجازه بفرمائید بخوانند بهتر
 است چون فوریت آنهم تقاضا شده است .

(بجارت ذیل خوانده شد)

مجلس شورای ملی
 مستر شوستر خزانه دار کل به موجب
 ماده هفتم قانون ۲۳ جوزای تنگنوزیل از
 وزارت مالیه تقاضا نموده که بفوریت چهار نفر مستخدم
 مالیه آمریکائی جدید استخدام نماید - شرایط عمومی
 استخدام مشارالیه همان شرایطی است که در ضمن
 کنتراهای ماورین حالیه مستر شوستر قید شده مقرر
 سالیانه هر یک از قرار ذیل است :

(۱) معاون مالیاتی ۴۰۰۰ دلار
 (۲) مفتش ۳۵۰۰ »
 (۳) » ۱۸۰۰ »
 (۴) » ۱۶۰۰ »
 » ۱۰۹۰۰ »

کلیه این مبلغ از بابت شصت هزار تومان اعتباری
 که بموجب ماده هفتم قانون ۲۳ جوزا تصویب شده
 پرداخت خواهد شد بنابر این وزارت مالیه ماده واحده
 ذیل را پیشنهاد مجلس شورای ملی نموده تقاضای فوریت
 آنرا می نماید :

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است چهار
 نفر مستخدم آمریکائی مالیه با شرایط کنتراهای
 سابق و مقررهای ذیل استخدام نماید .

معاون مالیاتی چهار هزار دلار - معاون مالیاتی
 برای تقویت سه هزار و پانصد دلار - معاون مالیاتی
 یک هزار و هشتصد دلار - معاون مالیاتی برای
 تقویت سه هزار و پانصد دلار معاون مالیاتی یک هزار
 و هشتصد دلار - معاون مالیاتی هزار و شصت دلار
 و مقرر این چهار نفر از بابت شصت هزار تومان
 اعتباری که در قانون ۲۳ جوزای تنگنوزیل تصویب
 شده پرداخت میشود .

(وزارت مالیه)

رئیس - در باب فوریت اظهاری داشتید؟
معاون - بله تقاضای فوریت آنرا بطوری
 که در لایحه ذکر شده می نمایم و استدعا میکنم که
 بفوریت آن رأی گرفته شود و زودتر بگذرد .

رئیس - آقایانی که فوریتش را تصویب
 میکنند قیام نمایند .

(اغلب قیام نمودند) .

رئیس - تصویب شد فرستاده میشود بکمیسیون
 قوانین مالیه و اگر با کمیسیون دیگر هم لازم شد
 مذاکره بکنند می کنند .

معاون - تقاضا میکنم که همین امروز جزء
 دستور شود چون هیئتش که معین است و حقوقش هم
 که پیش تصویب شده است اگر مجلس تصویب میکند
 همین حالا جزء دستور شود

رئیس - خیلی خوب بعد از تنفس عجالتاً
 دقیقه تنفس است .

(مجلس مجدداً بعد از تنفس یکساعت و نیم قبل از
 ظهر تشکیل گردید) .

رئیس - در باب این لایحه ای که از طرف
 وزارت مالیه پیشنهاد شده بفریشش رأی گرفتیم و

تصویب شد حالا باید رأی بگیریم که در همین جلسه
 باید مطرح مذاکره شود یا خیر . مخالفی در این باب
 نیست (نبود) آقایانیکه تصویب میکنند امروز مذاکره
 شود قیام نمایند . (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد ماده واحده
 قرائت میشود .

(ماده واحده لایحه وزارت مالیه مجدداً قرائت
 شد) .

رئیس - کسی مخالف نیست؟
 (حاج شیخ اسدالله - سؤال دارم)

حاج شیخ اسدالله - بنده میخواستیم بدانم
 مدت کسرات این مستخدمین هم همان مدت سایر
 مستخدمین است یا خیر در مدت هم مجدداً مذاکره
 می شود .

معاون مالیه - خیر مدت همان مدت سایر
 مستخدمین است

رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟
 (مخالفی نبود)

رئیس - رأی میگیریم باین ماده واحده که
 از طرف وزارت مالیه پیشنهاد شده است آقایانیکه
 تصویب میکنند ورقه سفید و آقایانیکه مخالفند ورقه
 آبی خواهند داد .

(اوراق رأی اخذ شد حاج میرزا رضاخان بعد از
 ذیل شماره نمود) :

ورقه سفید علامت قبول ۹۶

رئیس - با اکثریت ۹۶ رأی تصویب شد .
 بقیه بودجه مجلس متعلق بسنه تنگنوزیل هم جزء
 دستور است ماده دو بودجه چندین مرتبه به مجلس
 آمده است و بلا تکلیف مانده است استدعا میکنم که
 امروز رأی قطعی اعم از قبول یا رد داده شود برای
 اینکه بوزارت مالیه باید اطلاع بدیم که در این خصوص
 هر ماهه وجهی بدارند یا بیشتر بپردازند البته در صورتی
 که در مجلس تصویب نشده باشد اسباب اشکال است
 خاطر آقایان را متذکر میکنم که ماده دو بودجه
 ۱۳۲۵۴ تومان برای اداره تقسیمی اعتبار خواسته
 شده بود و کمیسیون محاسبات در ماه ۹۰ تومان کسر
 کرده است که می شود سالی هزار و هشتصد تومان از
 طرف دیگر در موقعیکه آن لایحه را طبق توابع کرده
 بودند آن اعتباری که خواسته شده بود از قلم افتاده بود آن
 اعتبار ماهی شصت تومان بود که در سال هفتصد و بیست
 تومان میشود چون در مجلس قبول نشد آن سزده
 هزار و دویست و پنجاه و چهار تومان مجدداً در هیئت
 رئیسه مذاکره و بعد قرار شد که آردونفر تند نویس
 را که کمیسیون محاسبات تصویب نکرده بود مامم
 اضافه نکنیم و آن شصت تومان اعتبار هم که از قلم
 افتاده بود در عرض آن دونفر تند نویس در واقع
 تقاضائیکه میشود برای همان سزده هزار و دویست
 و پنجاه و چهار تومان که در سابق خواسته بود حالا
 خویست معجز کمیسیون محاسبات پیشنهادی در این
 باب بکنند که رأی گرفته شود .

دکتر اسمعیل خان مخبر - نظر کمیسیون
 محاسبات همان در دونفر تند نویس بود که لازم
 ندانست و در کمیسیون که آن روز مذاکره شد قبول
 کرده است و چون اعتبار هست ممکن است مصرف

شروعی را که پادشاه عصر باشد مجبور کرد بر اینکه
 حق منصوص خودش را واگذار کند بوزارت اوقاف
 اولاً اینجا گویا حق منصوصش را که تویلت است
 واگذار نمیکند بوزارت اوقاف باز تویلت باشخص
 پادشاه است و اوقاف معین کرده است شخص پادشاه
 رامتولی و در اینجا هم گویا قید نشده باشد که شخص
 متولی مجبور است که خود او برود اداره کند این
 متولی است و باید موقوفه اداره بشود اهم از اینکه
 مباشر را دیگری معین بکنند یا شخص متولی خودش
 مباشر بشود و معلوم است در جاهائی که تویلت اوقاف
 با پادشاه عصر هست مثل مدرسه مرحوم سیه سالار مخصوصاً
 در وقت نامه مصرح است چون مباشرت امور موقوفه
 منافی باشوونات سلطنت است پس باید بتصویب امام
 جماعت و مدرسین بکنند از رجال دولت را که معروف
 به صلاح و امانت باشد معین بکنند پس معلوم میشود
 که غرض واقفین نه این بوده است که دولت خودش برود
 اداره بکند به لحاظ شوکت و قدرت دولت تویلت را
 پادشاه عصر دادند که بهتر رقبات وقف را حفظ میکند
 که اموال موقوفه از میان نرود اینجا هم تویلت را بر
 کتار نکرده اند آن شخص را که پادشاه متولی معین
 میکرد بتوسط صدراعظم حالا آن توسط صدراعظم
 را وزارت اوقاف معین میکنند یعنی وزارت اوقاف
 باشخص مباشری معین میکنند با اجازه متولی و بدیهی
 است که او هیچ مجبور نیست که این پیشنهاد وزارت
 اوقاف را در تعیین مباشر قبول بکنند مختار است یعنی
 مجبور در قبول کردن نیست و بنده باز عقیده ام این
 است که عرض کردم اگر در همان ماده ۶ که از مجلس
 گذشته است يك لغو طوعاً بر او اضافه شود که
 معوم شود پادشاه مجبور نیست و بیک موافقتی با شرع
 انور داشته باشد که البته اتفاق مجلس هم بر این
 بوده است و تمام آقایان نمایندکان قصدشان این بوده
 است که پادشاه پیشنهاد وزارت اوقاف را طوعاً قبول
 خواهد کرد نه مجبوراً گویا رفع تمام این محظورات
 را بکنند و دیگر محتاج به این پیشنهاد نماند باشد

حاج آقا - بنده گمان میکنم آن گفتگوهائی
 که در شور اول شد دیگر در شور ثانی هیچ محتاج
 نیستیم باینکه باز يك مذاکره و مباحثه ای بکنیم
 این مطلب يك امر خیلی واضح و بدیهی است و همه
 تصدیق دارند و هیچکس نمیتواند انکار کند و قوی که
 متولی خاصی دارد و مخصوص است هیچکس دیگر
 نمیتواند تصرف در او بکند مگر به اجازه متولی
 و متولی باید مقصدی و مباشر باشد یا شخصی یا بواسطه
 هیچ صحت مجبورت یا صحت دیگری نیست صحت
 در این است که يك نفر متولی خاص چه پادشا و چه
 غیر پادشاه هر کس باشد هیچکس نمیتواند تصرفی
 در آن بکند بدون اذن متولی و متولی باید متصرف
 و مدیر آن وقف باشد کدام متولی در سایر موقوفات
 خودش مبرود دخالت میکند پادشاه باشد یا غیر
 پادشاه صحت واسطه نیست صحت تویلت خاص است
 که تعیین مباشر با متولی است ربطی ندارد بدیگری
 ندارد پس پادشاه یا دیگری نمیتواند تعیین مباشر بکند
 برای وقفی که متولی خاصی ندارد ولی وقفی که متولی
 خاص دارد اگر خودش خواست يك کسی را مباشر
 قرار بدهد البته آن مباشر چون از طرف خودش است
 منعی است و این قانونی که کشا اینجا می نویسد که
 این مباشر را اداره اوقاف معین بکنند این منافی با

اراده و اختیار او است در موقوفه که بخواهد یک
مباشری قرار بدهد پس صحبت مجبوریت نیست
صحبت همان ماده ای است که در مجلس در سه فصل سابق
گذشته است در تویلت اوقافی که متولی خاص داشته باشد
اداره کردن او با خود متوفی است و اداره اوقاف
هیچ حقی در آن ندارد غیر از این که نظارت بکند
به آنطوریکه واقف قرارداده است در مصارف و وقف
بهمان ترتیب مصارف بشود که احوال وقف حیف و میل
نشود این نظارت را دارد متولی خاص چه پادشاه
باشد چه غیر پادشاه این نظارت بموجب ماده قانونی
که گذشت برای اداره اوقاف هست ولی نمیتوانیم
بگوئیم وقتیکه متولی شخص پادشاه باشد تویلت
و مباشرت آن موقوفه مستقیماً با اداره اوقاف است
بجمله اینکه فرق نمیکند بین سلطان و یک متولی خارجی
چطور در ماده گذشته نوشتیم آن اوقافی
که متولی خاص دارد اداره اوقاف هیچ حق ندارد
غیر از نظارت این هم همان حکم را دارد و بنده
نمیدانم چطور است که بعضی از آقایان این را راجع
میکند بوقفنامه مدرسه سیه سالار و آن وقت آن
سواد وقفنامه او را شاهد میآورند این یک مفاد
کلی است و مصداق هم اگر نداشت مدرسه سیه سالار
هم نبود و یک پادشاهی اینجا متولی این ماده را
که ما میخواستیم بنویسیم همان طور مینویسیم هیچ
ربطی ندارد بیک مورد مخصوص و مدرسه سیه سالار
اگر یک وقتی تویلت با پادشاه باشد یا با بنده
فرق نمیکند با با دیگری همان طوریکه در ماده
قبل گذشته است باید اشخاصی که متولی خاص هستند
تویلتشان محفوظ باشد و بآن ترتیبی که در وقفنامه
توصیه شده باید اداره اوقاف نظارت کند که عمل
بشود چون این ماده را آن مرتبه عرض کردم حالا
باز هم تکرار میکنم در موقعی که در کمیسیون
مذاکره میشد نظر بهمین بود که موقوفه که تویلتش
با دولت یا پادشاه میشدند از حیث سلطنتش میشدند
از حیث دیگری یعنی تویلت با دولت میشد چون
بدولت واگذار شده باشد البته این از طرف دولت
بإدارة اوقاف واگذار میگردد گفتند که خود این در
واقع اجازه دولت است چون جزء هیئت دولت است
در حقیقت مباشرت بسالا استتالی است که دولت
میکند و اما در خارج ما دیدیم محل شبهه و اشتباه
شده است در خارج وقتی که میگویند یک وقتی که
تویلتش با پادشاه است دولت در او تصرف نمیکند
خیال میکنند که این با شخص پادشاه نیست از این
جهت برای توضیح این مطلب این ماده را پیشنهاد
کردند و بنده برای توضیح و برای این که رفع آن
سوء استفاده و سوء تفاهمی که در بین مردم شده
است بشود لازم میدانم که امروز در این ماده رأی
گرفته شود بجهت این که مطابق همان ماده ای است
که رأی گرفته ایم و هیچ مخالفی هم ندارد و پیش از
این هم مذاکره ندارد.

حاج سید ابراهیم در این ماده در فقره نوشته

شده است یکی تویلتی که راجع بشخص سلطان
است و یکی آن که راجع بدولت است باید خیلی
فرق گذاشت بین معنی دولت و شخص سلطان اگر
بیشتر یکی میگفت من دولت را حالا آن طور نیست

شخص سلطان علیحده است و دولت علیحده است پس
تویلت از طرف متولی اگر راجع بشخص سلطان
باشد مثل اینکه مثلا پسرش فوت میشود و ملکی را
وقف میکند و تویلت آن را پسرش میدهد که سلطان
عصر است در چنین صورتی البته خود سلطان مداخله
نمیکند با اجازه دیگری میدهد و نمیشود سلب مداخله
را آزاد کرد تا اینکه بمیرد یا آنکه بحسب حکم
شرح از او سلب شود پس در تویلت هر اوقافی که
شخص ملاحظه شده است نمیتوانیم بگوئیم راجع
بیک هیئت است و راجع بدولت است بلکه باید خود
آن شخص اجازه بدهد و ترتیب هم طوری باشد که
مخالف وقف نباشد امام معنی دولت بیک نظر احلاق
میشود و هیئت سلطان وزراء و مجلس مفهومی میشود
و بنظر دیگر اطلاق می شود و همان سلطان و هیئت
وزراء فهمیده می شود و بیک نظر گفته می شود مراد
شده است یعنی یکی از وزراء پس هر جا که دولت
استعمال می شود ببناسبت مقام و بیان آن کار معین و
معلوم میشود مثلا اگر بگوئیم حکومت را دولت
معین میکند یعنی وزیر داخله و اگر بگوئیم دولت
پیشکار ماله می فرستد معنی او این است که وزارت
ماله پیشکار را میفرستد بجهت اینکه این چند نفر
وزیر آبادی یک بدن دولتند یا مثل انکشت های یک
دست هستند که هر کدامش یک کاری میکنند و همه
راجع بدولت و فاعل آن دولت است پس باین واسطه
هیچ صحیح نیست در این ماده نوشتن که تویلتی که
راجع بدولت است اجازه دولت می خواهد بجهت
آنکه اجازه دولت در این مقام همان اجازه و اداره
وزیر اوقاف است و مادر آن قانون که نوشتیم وزیر
اوقاف اجازه میدهد یعنی دولت اجازه میدهد هیچ
فرقی با اجازه ندارد بجهت آنکه هر دو معنی مستند
بدولت است ندارد اما در آن وقف و تویلت شخصی
این را باید قید و الحاق کفیف بقانون سابق پس
عرض بنده و مخالفت راجع بدولت است نه نسبت
به آنچه مستقیماً راجع به شخص سلطان است
پس این عبارت اخیر را باید از این ماده انداخته
آن فقره اولش را که راجع بشخص سلطان است
باقی باید گذاشت با آن بنده موافق هستم و رأی
گرفته شود.

آقاسید حسن مدرس گمان میکنم

که همین قسم هم باید باشد یک حقیقت واحد است
و لایقی نیست منتها در بیانات اختلافی هست و حقیقت
واحد هم مر کوز ذهن همه هست که متولی وقف مثل
مالک ملک است مالک هیچ ملکی را کسی نمیتواند
بدون اجازه او تعرضی در ملکش بکند متولی وقف
هم در حکم مالک است یعنی از این جهت که بدون
اجازه او نمیشود مداخله کرد در آن وقتی که اختیاراتش
با او است این مراد از حقیقت واحد است کلام
در بیانات و الفاظ است که آیا این الفاظ واقعی است یا
واقعی نیست گویا مراد کمیسیون هم قیماً همین بوده
است که تفریح کرده اند و اما این دولتی که آقای
حاج سید ابراهیم فرمودند که هیئتی هستند این برای
بعد از این است اما سابق بر این آنچه وقفنامه است
چه سلطان تعیین شده باشد چه دولت مراد شخص
است ابتدا واقف نظر نداشته است به اینکه وزیرش
ابتکار را بکند که اینک در موقوفات سلاطین صفویه

بسیار دیده ایم که متولی سلطان است یا دولت ولی
لفظ دولت نادر است غالباً سلطان است و نظارت
با وزارت اوقاف هر دو را بخصوصه اسلم بوده که
تویلت با سلطان و نظارت با وزیر اوقاف که وزیر
اوقاف هم داشته اند و مرسوم هم بوده است که دولت
هم اگر در وقفنامه میگفتند مراد شخص سلطان بوده
است و این اجمال دارد و به اصطلاح جدید این دولت
مراد تمام هیئت وزراء است و شاید مجلس هم جزء
باشد و گمان میکنم بجهت یک حقیقتی که همه متفق
هستند که آن ماده اول خفا دارد و این مطلب باید
معلوم شود که اشکال نداشته باشد از این جهت ضرر
ندارد که این ماده نوشته شود.

حاج شیخ الرئیس بنده در جلسه سابق

که حاضر بودم عرض کردم و باز هم ناگزیرم تکرار
کنم عرض میکنم همانطوری که مذاکره میشود البته
همه متوجهند که تویلت یک حقی است که شاه یا گدا
در آن مساوی است که اگر بنده گذارا یک کسی
متولی یک موقوفه ای کرده بایک سلطانی را بحکم
قانون عدالت و شریعتی که تمام ادیان و ملل متفق اند
نمیشود حق منصوص مخصوص مر که گدا هست امرن
بگیرند همین طور از یک سلطانی نمیتوان گرفت البته
واقف رضوان الله علیهم اجمعین به آن نظرانی که
همه میدانند که قوت و قدرت سلطنت بوده است اگر
چه از سلاطین عصر مستند هم هستند دارای این
صفات هستند ولی تزلزل بمال وقف نمیکند اگر چه
به زمان اوقاف را شاید تصرف میکنند پس بنده نسری
جسارت میخواهم بکنم چون این ماده سوء تفاهمی
پیدا کرده است و حال آن که آقایان نمایندگان تصویب
کرده اند و بنده خودم هم هم مصوب بودم هیچ
گمان نمیکردم که یک هم چه سوء اثری در افکار
و انهام عمومی پیدا بکند و بنده ناچارم که این را
خارج از موضوع ندانم و عرض کنم که غبار این شبهه
تادامن جلال والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه
رسیده است چنانچه در دو جلسه با بنده در موقع
ملاقات مذاکرات طولانی فرمودند که مجلس این حق
مرا از من سلب کرد و من آسوده شدم و بنده در
حضور مبارک کشان به اندازهای جد کردم که کار بکنند
به مجادله کشید و عرض کردم که سلطنت کائناً
من کان و پادشاه عصر هر کسی باشد از حق منصوص
و مخصوص خودش نباید محروم باشد مجلس شورای
ملی که حافظ حقوق نوعیه ملیه است چطور میشود
که یک حق مشروع را از یک سلطان که امروز
سلطان ما سلطان مشروطه و سلطنت ما سلطنت عادلانه
است سلب کند و یک همچو ماده که مزاحم حقوق
مقدس سلطنت اسلامی باشد وضع بکند و من یکی
از مقننین و از طرف تمام نمایندگان عرض میکنم
که حال آنها حال من است و خواسته اند که اگر
اجازه فرمایند سلطان یا نایب سلطنت عظمی در
میان وزراء صلاحیت وزیر اوقاف را برای این که
اوامر او اوامر پادشاهی است یا سلطنت باشد برای
اداره کردن اوقاف بهتر بنظر میآید فرمودند شاید
من بیک وزیر اوقافی اطمینان نداشته باشم عرض
کردم اگر اینطور است بنده از طرف شرع و
مجلس مقدس عرض میکنم که باختیار خودتان است
حالا هم عرض میکنم که چون این ماده سوء تفاهم

پیدا کرده است تا باین درجه که هر چه توضیح بکنیم
سوء تفاهم از بین نرود لهذا بنده عرض میکنم
موقوفاتی که تویلتش با علیحضرت سلطان عصر است
که حالا راجع بنسب سلطنت است مثل سایر
موقوفاتی است که متولی مخصوص دارد دیگر مقید
کردن لفظ طوعاً ابتدا رفع مخالفت را نمیکند و
و همیشه اسباب شبهه و سوء تفاهم خواهد بود.

آقاسید علی شیرازی این جا بیک مرتبه

اینست که فضا مدرسه سیه سالار در میان میآید
او را ما ابتدا کاری نداریم که کیفیت وقف او
چطور است ما میگوئیم یک وقتیکه تویلت او با
شخص سلطان باشد این یک مرتبه طوری است که
تویلت با این شخص باشد میخواهد سلطان باشد
یا سلطان نباشد مثل این که محمد علی میرزا چنانچه
تویلت یک وقتی را داشت در زمان عزت هم دارد
این یک مطلبی است که آقای حاج سید ابراهیم
فرمودند که اگر پدر سلطان چیز را وقف کرده
است و تویلتش را با پسرش قرار داده است همان
طور با او خواهد بود یک مرتبه تویلت با سلطان
است که هر کسی این وصف را دارد تویلت با او
است البته معلوم است کسی هم که رسیدگی
به آن موقوفه میکنند باید بتعیین آن
شخص و بنظر شخص سلطان باشد و اینکه آقای
افشار الواعظین فرمودند که شخص وزیر اوقاف هم از
طرف سلطان معین شده است این نه چیزی است که
به اختیار شخص سلطان معین شده است وزیر اوقاف
باید در تحت نظر رئیس الوزراء معین شود و در تحت
نظر مجلس باشد طوری نیست که در این قضیه او را
سلطان معین کرده باشد زیرا مجلس اگر سلب
اعتماد بکند یا رئیس الوزراء نخواهد او را معین کرده
باشد وزیر نیست اگر وزیر اوقاف از این قبیل نبود
راست بود این مطلب اما وزیر اوقافی که جزء هیئت
وزراء باشد و طرف اعتماد مجلس باشد این هیچ ربطی
به سلطان ندارد.

بهجت - اولاً باید فهمیده شود که مجلس

شورای ملی که اینگونه کارها را واگذار کرده
بوزارت اوقاف از چه نقطه نظر بود تا اینکه بیستم
محتاج به توضیح هست باینست سلطان که فرل و نصب
وزراء بدست او است تکالیفی که راجع بکیه امور
مملکت است و تقسیم می شود بین وزراء آن تکالیف
را بر حسب اقتضا بین آنها تقسیم میکند یکی از آنها
وزارت اوقاف است و وزیر اوقاف بهترین شخصی
است که بتواند نظارت بکند در امر اوقاف برای
اینکه اگر تصور بکنند که ممکن است نظارت نمودن
در عمل اوقاف بر حسب آن چیزی که اوقاف وقف کرده
است از کس دیگری غیر از او بهتر ساخته می شود
او را پیدا میکرد و معین می نمود پس پادشاه عصر وقتی
که کسی را بوزارت اوقاف معین کرد معلوم است
که می تواند بهتر نظارت در اوقاف داشته باشد این
یک مقدمه و یک مقدمه دیگر هم این است که پادشاه
بدیعی است که خودشان فی حد ذاته و بشخصه
مباشراً نخواهد بود لابد یک کسی را معین خواهد
کرد پس پادشاه وقتی که یک اطمینانی داشته باشد
به اینکه این وزیر اوقاف صلاحیت دارد که نظارت

کامل در اوقاف مملکت بکند موقوفاتی را هم که
تویلتش با پادشاه عصر است قهراً باید بحسب وظیفه
شرعی که داد و واگذار بکند بوزارت اوقاف که
خودش معین کرده است و اگر تکلیف بکند کار
خلاف ترتیبی کرده است یعنی ممکن است گفت
که سلب اطمینان کرده است از آن وزیر اوقاف
و خواسته است اوقافی را که در تحت نظر او است خودش
بوظیفه شرعی کددار رفتار بکند و در این صورت
وزیر اوقافی را که محل اطمینان مجلس شورای ملی است
و خود پادشاه معین کرده است اگر پادشاه به او
اطمینان نداشته باشد باید او را معرفی نکند و اگر
معرفی کرد پس قطعاً او از جمله اشخاصی است که
پادشاه عصر کمال اطمینان را به او دارد و ممکن است
رشته اوقاف را بدست او واگذار بکند این یک نقطه
نظری است که مجلس شورای ملی داشته است که اگر
پادشاه عصر آن وزیر اوقاف را لایق دانست که قهراً
این هاراهم کددر تحت نظر او خواهد گذاشت و اگر
لایق ندانست که آن وزیر بالکلیه از وزارت اوقاف
خلع خواهد شد برای اینکه وزارت اوقاف شخص
معینی نیست بلکه این یک سمتی است که باو داده شود
آمدیم بر لفظ دولت اگر آنطور است که آقای
آقاسید حسن فرمودند کدر قبایله جات قدیمی چیزی
پیدا شود کدر آنها اسم از شخص سلطان و دولت
هر دو باشد معلوم است که آن مستقیماً راجع
به شخص سلطان خواهد شد ولی از این بیاید
گمان نمیکند که کسی یک همچو کاری بکند
یعنی هیئت دولت را که عبارت از قوه
مقتنه و قضائیه و اجرائیه است یک تویلتی را
باو واگذار بکند و اگر هم تویلتی را یک کسی
قرار بدهد باز راجع میشود بوزارت اوقاف برای
اینکه هیئت دولت وقتی که دارای تکالیف کلی شود آن
تکالیف تقسیم شد بدیعی است که آن قسمتی که راجع
بنظارت در اوقاف و ترتیب آنها است راجع میشود
بوزارت اوقاف و این هم یکی از آنها است پس اگر
یک تکلیفی را با اختصاص راجع کردیم به هیئت دولت
راجع میشود بآن وزیر و وزارت خانه که برای آنکار
معین شده است برای اینکه بدیعی است که هیئت دولت
که گفته میشود عبارت است از قوه مقتنه و قوه قضائیه
و اجرائیه یا شخص پادشاه و وقتی که تکالیفات تقسیم
میشود می بینیم که هر یک از آن ها یک قسمتی را میبرند
پس معلوم میشود که هر کس را که تویلتی را معین کرد
و راجع نمود به هیئت دولت بقوه قضائیه راجع نمیشود
بلکه راجع میشود بوزارت اوقاف پس بنا بر این
ترتیب وزیر اوقاف نباید از مجلس یا از دولت یا از
قوه قضائیه اجازه بگیرد که دخالت در آن موقوفه بکند
برای اینکه همین پذیرفتن او را در مجلس بوزارت
اوقاف و تعیین او از طرف پادشاه این تکلیف را باو
واگذار میکند و باین دلایل که عرض کرده همان
ماده ای که سابقاً از مجلس گذشته است کافی است و
هیچ چیز دیگری لازم نیست که باو ضمیمه شود.

رئیس مذاکرات گویا کافی باشد.

(بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - پس رأی میکنیم در این که مذاکرات
کافی است یا کافی نیست آقایانی که مذاکرات را کافی
میدانند قیام نمایند.

کافی است یا کافی نیست آقایانی که مذاکرات را کافی
میدانند قیام نمایند.

(اغلب قیام نکردند)
رئیس معلوم میشود که مذاکرات کافی نیست
آقای آقا شیخ محمد حسین .
آقاسید محمد حسین - در جلسه سابق که
مذاکره این قانون بود آقای آقاسید حسین اردبیلی
و در این جلسه آقای افتخار یک تهمت زدند که همه
مجلس باین ماده رأی داده اند و از این معلوم میشود
که بنده هم رأی داده ام و حال اینکه بنده بآن
ماده رأی ندادم و شاید هم دارم که در موقعی
که در آن ماده مذاکره میشد در خارج گفته بودم که
خوب نیست این ماده را مجلس بیاوریم و در آن
مذاکره بکنیم و حالا هم همین را عرض میکنم و
از این مذاکراتی که ما میکنیم یک چیزی از آن
معلوم میشود و آن اینست که ما نزاع معنوی با هم
داریم و الا اگر نزاع بر لفظ است دیگر این
هم معطلی ندارد برای این که اصل مطلب این ماده
یک چیزی است که متفق علیه است و بجهت این که
عبارت ماده سابق مبهم بوده است دیگر چندین نفر
نطق کردند و در این که این بهتر است او بدتر است فایده
ندارد و اگر نزاع معنوی است نتیجه اش اینست که ... چه
عرض کنم حالا دیگر مختارید.

ذکاء الملک مخبر کمیسیون معارف - آقای

سید حسین اردبیلی در آن جلسه ای که در این قانون
مذاکره میشد اظهار کردند که بسیاری از علماء مجلس
در وقتی که این ماده نوشته میشد در کمیسیون حاضر
بودند و اظهار ایشان صحیح است حالا آقای آقا
شیخ حسین اگر تشریف نداشتند و لکن اشخاصی را
مخصوصاً نظرم هست که تشریف داشتند مثلا آقای
حاج امام جمعه مرحوم حاج میرزا زین العابدین هم که
آن وقت حیات داشتند تشریف داشتند همچنین آقای
حاج آقا و آقای حاج سید نصرالله این چهار نفر
آقایان را که مخصوصاً نظرم هست که تشریف داشتند
و هیچ تصدیق نمیکند فرمایش آقای آقا شیخ حسین
را که میفرمایند نزاع در معنی است نه در لفظ در
کمیسیون که مذاکره میشد بعضی از اعضاء کمیسیون
هم شاید عقیده شان این بود که لازم نیست این ماده
العاقبه نوشته شود و حالا هم آقایان باینکه این ماده
العاقبه را غیر لازم میدانند نه از باب اینست که
مخالف آن هستند بلکه باین نظر است که قانونی وضع
شده و از مجلس گذشته است آخر باید قوانینی که
از مجلس میگذرد در نظر ما یک وقتی داشته باشد
این قانونی است که دو مرتبه در آن شور شده و
چند مرتبه در کمیسیون معارف در آن مذاکره شده
است و علماء مجلس هم علماء رسمی و هم علمائی
که بر حسب وکالت در اینجا هستند بکمیسیون
آمده اند و در آن ملاحظاتی کرده اند بعد مجلس
آمده و رأی بآن داده شده و یکی از قوانین موضوعه
شده است و از آن طرف هم این مسئله واضح است
که کسی نمآید شخص سلطان یا نایب السلطنه را مجبور
بکند به اینکه شخصی را که به او اعتماد ندارد مباشر
موقوفات قرار بدهد پس اینکه بر خلاف مقررات
یک وقفنامه رفتار بکند و آقایانی هم که مخالفت دارند
نظرشان بهمین بوده است و از این جهت است که می
گویند نوشتن این ماده لازم نیست از آن طرف
و دلالت راندارد از این جهت لازم است تصریح بشود
و حالا نباید این قسم مذاکرات کرد که مقصود مجلس